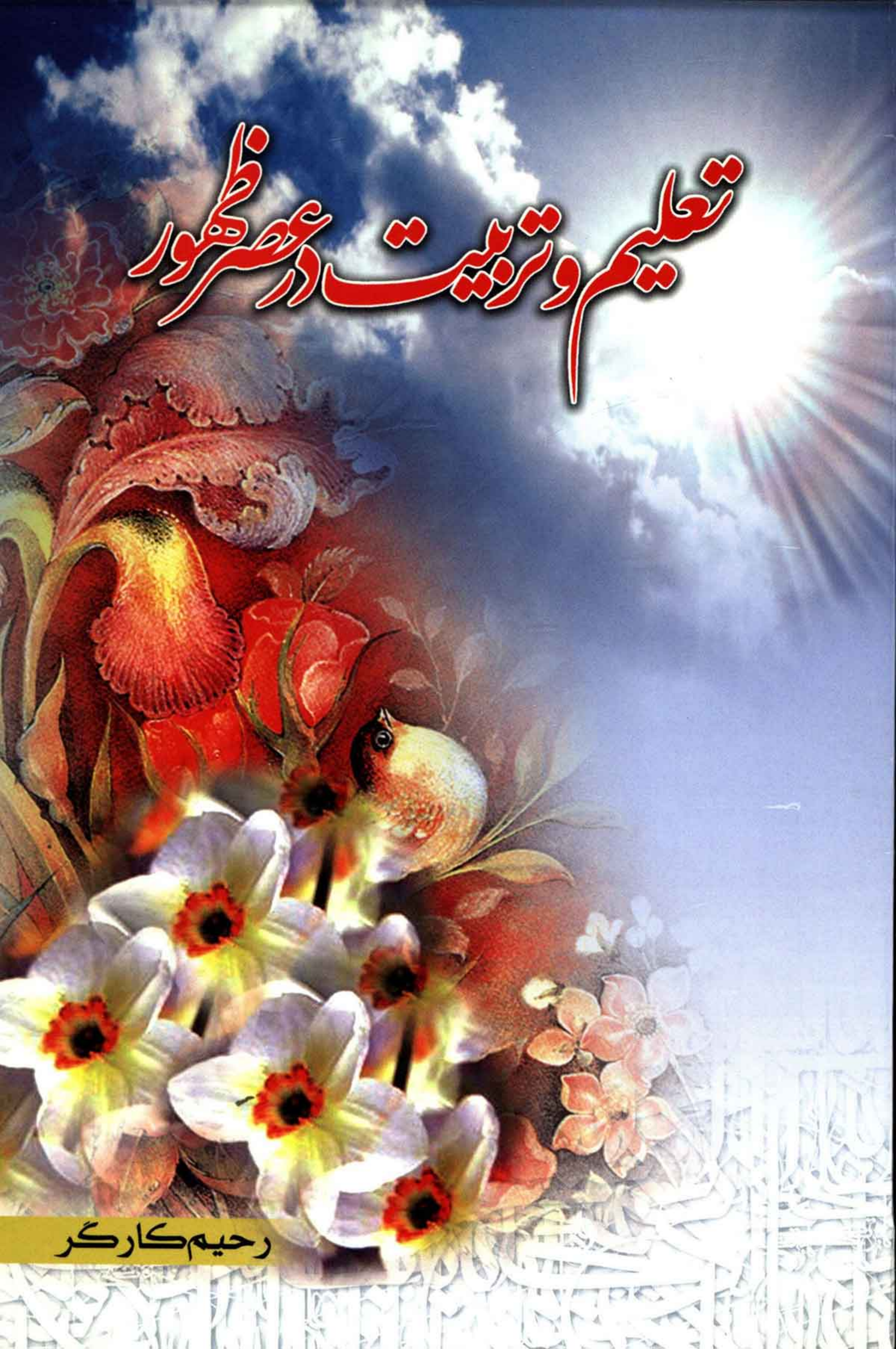


# تعلیم و تربیت در عصر ظهور



رحیم کارگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت

در عصر ظهور

رحیم کارگر



مرکز تخصصی مهدویت



بنیاد تخصصی کلام اسلامی

## تعلیم و تربیت در عصر ظهور

نویسنده / رحیم کارگر

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

نوبت چاپ / اول، تابستان ۸۷

قیمت / ۱۵۰۰ تومان

تیراژ / ۳۰۰۰

صفحه آرا: رضا فریدی

### مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهداء (صفائیه) / کوچه آمار (۲۲) / بن بست

شهید علیان

ص.پ. ۱۱۹-۳۲۱۳۵ ☎ تلفن: ۷۳۲۱۶۰ ☎ فاکس: ۷۳۲۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام /

ص.پ. ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۹-۱

## سخن ناشر

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این جریان؛ راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راه‌ها و بیراهه‌ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی‌ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در ناراستی‌ها، فسادها و تباهی‌ها است.

«مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه‌ای فراگیر و پیشینه‌دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. آموزه مهدویت، برنامه‌ای جامع و کامل برای تشکیل جامعه‌ای مطلوب و تفسیری راهبردی از حوزه‌های مختلف زندگی انسان است. این آموزه، تصویر و طراحی کامل و فراگیر جامعه برتر دینی و بیان راه‌کارها و برنامه‌های دستیابی به «حیات متعالی» است و می‌تواند در همه شؤون زندگی معاصر، تأثیرگذار و راهگشا باشد. از طرف دیگر توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح

شدن اندیشه‌های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت‌های جهانی و اندیشمندان بشری و برداشت‌های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان علیه السلام و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه - مخصوصاً نسل نو - با نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنامه‌های مهم این بنیاد، تألیف و نشر کتاب و نشریه و تدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصیت امام مهدی علیه السلام است که تا کنون بیش از ده‌ها عنوان کتاب، تدوین و چاپ کرده است.

اکنون نیز کتاب *تعلیم و تربیت در عصر ظهور* در اختیار دوستداران و عاشقان آن امام عارفان و ذخیره پیامبران قرار می‌گیرد، باشد که قبول اهل نظر افتد. مجموعه حاضر گامی آغازین در این زمینه به شمار می‌آید؛ امید است فرهیختگان با تلاش‌های جدید و ژرف‌تر، پژوهش‌های کامل‌تر و متنوع‌تری ارائه دهند و اقدامات پرثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

در پایان ضمن تشکر از زحمات مؤلف محترم، امیدواریم خوانندگان گرامی با ارائه دیدگاه‌ها و انتقادهای خود، ما را در پر بارتر شدن این گونه آثار، یاری نمایند.

**قم - مرکز تخصصی مهدویت**

**مجتبی کلباسی**

## فهرست مطالب

### فصل اول

#### تعلیم و تربیت قدسی (بصیرت اخلاقی)

پیش درآمد .....	۱۵
تعلیم و تربیت قدسی (بصیرت اخلاقی) .....	۱۸
رشد فکری و اخلاقی .....	۲۲
پیوند تعلیم و تربیت .....	۲۷
یک. کنه شناسی و پاسخ‌های چند سطحی .....	۳۲
۱. حب دنیا .....	۳۵
۲. عدم تربیت و تزکیه .....	۳۵
۳. جهالت و فقر فرهنگی .....	۳۶
علل ناراستی‌های قبل از ظهور .....	۳۶
۱. قساوت و ناراستی قلوب .....	۳۷
۲. نبود حق و عدالت .....	۳۸
۳. کفر و تباهی جوامع .....	۳۸
۴. مرگ انسانیت و اوج شیطنت ابلیس .....	۳۹
۵. ضعف ایمان و دینداری .....	۴۰
۶. نبود اخلاق و معنویت .....	۴۰

۷. کم رنگ شدن خردورزی و دانایی ..... ۴۱
- دو. تکامل چند بعدی (کمال نهایی و کمالات فرعی) ..... ۴۲
- سه. بایستگی انقلاب هنجاری ..... ۵۰
- برترین راه ..... ۵۳

## فصل دوم

### ساز و کارهای تعلیم و تربیت

- پیش درآمد ..... ۶۱
۱. شکوفاسازی عقل فردی و جمعی ..... ۶۲
۲. فرهنگ سازی جامع ..... ۶۹
۳. نفوذ معنوی (مکانیسم ولایت تکوینی) ..... ۷۰
۴. پالایش نفوس (تطهیر و تزکیه ناپاکی‌های درونی) ..... ۷۳
۵. مانع زدایی و تغییر ساختارهای معیوب و ویرانگر فرهنگی ..... ۷۴
۶. ارتقای نهادی (شکوفایی فطرت انسانی) ..... ۷۸
۶. هنجار پذیر کردن انسان (اخلاقی کردن رفتارها) ..... ۷۹
۸. کنترل و نظارت جامع ..... ۸۰
۹. درمان بیماری‌های روحی ..... ۸۲
۱۰. نهادینه کردن آموزه‌های بنیانی ..... ۸۴
۱۱. تعلیم حکمت قدسی ..... ۸۵
۱۲. بازسازی هویت و منزلت اصیل ..... ۸۸
۱۳. تطهیر و تنویر فضای زیست ..... ۹۰
۱۴. برپاداشت سیاست فاضله ..... ۹۱
۱۵. نقش و کارکرد هنجار صالحان و پاکان ..... ۹۴
۱۵. غنابخشی روحی (استغناء واقعی) ..... ۹۶
۱۷. به‌سازی اخلاق کارگزاران ..... ۹۹
۱۸. شکل‌گیری اندیشه و فکر قرآنی (اندیشه واحد قرآنی) ..... ۱۰۳



- 
۱۹. پر رنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان ..... ۱۰۵
۲۰. رفع ناداری مادی برای تعدیل خواسته ها ..... ۱۰۷
۲۱. وحدت معقول انسانی ..... ۱۰۹
۲۲. فراگیری و تعمیم تربیت ..... ۱۱۲
۲۳. بهره‌وری از هدایت‌های کلامی ..... ۱۱۳
۲۴. سرورزدایی از جامعه ..... ۱۱۵
۲۵. اجرای بهینه قوانین الهی ..... ۱۱۷
- نتیجه‌گیری ..... ۱۲۰

## مقدمه

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد «عصر ظهور»، امکان اصلاح اخلاقی و تغییر و تحولات روحی و معنوی در انسان‌ها و دوری آنان از معصیت، فسادگری، جنایت و بیداد است؛ یعنی آیا انسان‌ها واقعاً خوب و صالح می‌شوند؟

بر اساس روایات پاسخ این سؤال، روشن و مثبت است؛ یعنی، در سایه تعلیم و تربیت و دانایی و پارسایی، آنان گام در جاده راستی و درستی می‌نهند و به رشد فکری و اخلاقی می‌رسند، در واقع اصلاح کامل و همه جانبه رفتار، اخلاق، پندار و گفتار انسان‌ها به دست امام زمان علیه السلام و در پرتو دولت اخلاقی مهدوی صورت می‌گیرد.

بیان چرایی و چگونگی این دگرگونی روحی و انقلاب اخلاقی، می‌تواند راهگشای بسیاری از پژوهش‌ها و رویکردهای معرفتی دربارهٔ امکان اصلاح انسان و رفع مشکلات عدیدهٔ بشر و تعلیم و تربیت او در همه سطوح باشد. بحث تعلیم و تربیت، منحصر در فعالیتهای رسمی آموزش و پرورش - آن هم در سطح گروه سنی کودک و نوجوان - نیست؛ بلکه انسان در هر حال نیاز به تعلیم و تربیت دارد و این رسالت عظیم پیامبران و امامان بوده است. در نگاه روشن‌بینانه ادیان آسمانی، مهم‌ترین مانع رشد و تعالی انسان و فرو رفتن وی در کاستی‌ها و ناراستی‌ها، عدم تعلیم و تربیت صحیح و الهی است و تنها راه نجات و سعادت او، قرار گرفتن تحت تعلیم و تربیت دینی است. تعلیم و تربیت صحیح و واقعی، در صدر اسلام و به دست نبی مکرم و عترت پاک او، به اوج رسیده و در عصر ظهور و به دست امام زمان علیه السلام

شکوفای و بارور می‌شود؛ یعنی، انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می‌پوید و از گردنه‌های سخت کژی و انحراف عبور می‌کند. دست رحمت و نجات بخش الهی، انسان‌ها را از ورطه فساد و تباهی خارج می‌کند و در ساحل معنویت و نورانیت قرار می‌دهد.

انسان تربیت یافته و خردورز، پیشوایی و امامت منجی موعود را مغتنم شمرده و به آن می‌بالد. در پرتو ارشاد و هدایت‌گری او، روحی تازه در کالبد قلوب مرده و طغیانگر دمیده می‌شود و زخم‌های ناراستی و شهوت آلودگی جامعه منحط، ترمیم می‌شود و . . . .

آری، جهان با تمام وجود، باید در انتظار نجات‌بخش بزرگ و هدایت‌گر موعود باشد و برای آن «روز رهایی»، خود را آماده کند.

صاحب آدینه‌های عاشقان کی می‌رسد؟	آفتاب عالم آرای جهان کی می‌رسد؟
تابه کی در انتظار خسرو خوبان بگریم	مژده اذن الهی، زآسمان کی می‌رسد؟
شعله‌های اشتیاق اندر دلم پر می‌کشد	رونق افزای بهارستان جان کی می‌رسد؟
دیده گلگون هستی، تشنه دیدار اوست	آن نکوروی تبار عرشیان کی می‌رسد؟

این پژوهش، گامی آغازین، برای درک و فهم تحولات و دگرگونی‌های گسترده و فراگیر در آن عصر و شناخت ماهیت و سازوکار اصلاح و متعالی شدن انسان و در نتیجه تشکیل جامعه سالم و پاک است. امید آنکه خداوند چشم بصیرت ما را بر حقایق هستی - به خصوص حکمت‌های غیب ظهور مصلح کل - بازگشاید و ما را از منتظران واقعی، دوست‌داران خالص، پذیرندگان عارف و رهپویان راه او قرار دهد و بر دانایی، پارسایی، عقلانیت، معنویت و ایمان ما بیفزاید.

## فصل اوله

---

**تعلیم و تربیت قدسی**  
**(بصیرت اخلاقی)**

---

## پیش درآمد

انسان موجودی است کرامت یافته، با فطرت پاک الهی و سرشته شده با مکارم اخلاقی و خرد متعالی. این خلیفه حق بر روی زمین، ظرفیت و نیروی رشد و شکوفایی فوق العاده‌ای دارد که در پرتو آن، می‌تواند زندگی شکوهمندی را تجربه کند و در سطح فراگیر و جهان شمول، هویت انسانی و الهی خود را بروز دهد. انسان مادی و دنیوی، دارای «بعد فرهیخته‌ای» است معنوی و الهی؛ که هم او را به سمت کمال و تعالی برتر سوق می‌دهد و هم حیات زمینی او را سامان حقیقی می‌بخشد. در واقع حیات پاک و بی‌آلایش انسانی، تنها در گرو راهکارهای مدیریتی و تجربی نیست؛ بلکه اینها فقط برای چرخش بهینه بعضی از امور دنیوی است؛ یعنی، مربوط به سطح خرد حیات. اما سطح کلان زندگی در دو بعد مادی و معنوی، نیازمند راهکار

بنیادین و نظام جامعی است که انسان را از سطح ناپهنجار و غیرحقیقی جدا کرده و در یک سطح برتر و کامل تری قرار می‌دهد؛ یعنی، انسان به آن هویت واقعی و اصیل خود نزدیک شده و در نظام جامع فکری و اخلاقی قرار گیرد و آن تعلیم و تربیت او در همه سطوح و مراحل زندگی است؛ چنان که همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی به تزکیه و تهذیب انسان و تعلیم قدسی او در همه ابعاد و مراحل زندگی همت گماشته‌اند. مهم‌ترین مسأله این است که: «آیا امکان این تغییر و تحول روحی و اخلاقی در انسان وجود دارد و او قابل تعلیم و تربیت است؟» اصولاً چرا جامعه به این دگرگونی‌های فرهنگی و تربیتی نیاز دارد؟

مکاتب فکری بشر، پاسخ‌های مختلفی به این سوال داده‌اند و البته کمتر مکتب و اندیشه‌ای هست که به طور جامع و کامل به این مسأله بپردازد و راهکار فرهنگی (فرهیختگی معنوی و تربیتی) برای رفع کاستی‌ها و ناراستی‌ها ارائه بدهد؛ اما ادیان الهی - به خصوص دین مقدس اسلام - به این جنبه توجه ژرفی نشان داده و رسالت پیامبران و مصلحان را، اصلاح اخلاقی و معنوی انسان قرار داده و راهکار بنیادین و فراگیری ارائه نموده‌اند.

به نظر ما این نظام جامع و کامل، تنها در «دولت اخلاقی

مهدوی» محقق شده و سامان می‌یابد. مؤلفه اساسی این نظام تربیتی و آموزشی، رسیدن انسان به «بصیرت اخلاقی» است تا تمامی ظرفیت‌ها و توانایی‌های او شکوفا گشته و بسترهای فرو روی او در ناراستی‌ها، دشواری‌ها و آلودگی‌ها برچیده شود. تا انسان به این بصیرت و خردورزی اخلاقی والوهی نرسد و از رشد فکری و اخلاقی همنوا برخوردار نگردد، دامنه رنج‌ها و کاستی‌های او، گسترده‌تر شده و از حیات معقول و متکامل به دور خواهد بود. دیدگاهی که به دنبال طرح و تبیین آن هستیم، «بایستگی دستیابی به بصیرت اخلاقی در سایه تعلیم و تربیت واقعی و همه‌جانبه، جهت فرو کاستن از ناراستی‌ها و مشکلات بشر و رسیدن به یک جامعه برتر اخلاقی و دینی است».

در واقع اجتماع سالم در پرتو اخلاق سالم است؛ یعنی، اگر در یک جامعه فضایل اخلاقی رواج داشته باشد و اخلاق الهی بر آن حکم فرما شود، بی‌تردید آن جامعه از آرامش و سلامت بالایی برخوردار خواهد بود. اگر دنیای امروز در آتش نا امنی، تشویش و هرج و مرج می‌سوزد؛ اگر کابوس فساد و انحراف بر آن حکم فرماست؛ اگر دنیای امروز گرفتار کشمکش‌ها، فحشا، تجاوز و ده‌ها فتنه و فساد دیگر است؛ اگر دولت مردان همچون گرگ‌های درنده و خون آشام از ترس همدیگر خواب و آرام ندارند و پیوسته در اندیشه نابودی همدیگر

هستند؛ اگر جوانان کشورها به انحراف جنسی آلوده شده‌اند؛ اگر بی‌عفتی و بی‌بند و باری دامنگیر زنان و دختران غربی و شرقی گردیده است و... همه و همه به علت عدم حکومت مکارم و فضایل اخلاقی در جامعه و بی‌توجهی به مبانی اسلامی و آداب انسانی در اجتماع است. اگر در اجتماع، ورع، پارسایی، تعاون، همیاری، انفاق، عفت، تواضع، حسن خلق، محبت و به طور کلی عدالت به معنای وسیع و جامعش حکم فرما باشد، این اجتماع همان مدینه فاضله خواهد بود که می‌توان در آن با فکری آسوده و به دور از وحشت زندگی کرد.<sup>۱</sup>

### تعلیم و تربیت قدسی (بصیرت اخلاقی)

«بصیرت» در لغت به معنای بینش، دانایی، هوشیاری و آگاهی است. در اصطلاح بصیرت همان عقلی است که با نور قدسی منور و به شعاع هدایت الهی آراسته گشته است و از این رو در مشاهده خطا نمی‌کند و به دلیل و برهان نیاز ندارد؛ بلکه حق را، روشن و آشکار می‌بیند و باطل را با خواری و ذلت نفی می‌کند. از این رو بصیرت، انسان را از حیرت و تشویش و تردید می‌رهاند و هرگونه شبهه‌ای را طرد

۱. مختار امینیان، مبانی اخلاق اسلامی، ص ۱۸.



می‌کند؛ چنان که صاحب *منازل السائرین* می‌گوید:

«البصيرة ما يخلصك من الحيرة»؛ «بصیرت چیزی است که  
تو را از حیرت خلاص می‌سازد».<sup>۱</sup>

بصیرت در اصطلاح عرفانی، عبارت است از قوه قلبی که به نور  
قدس روشن باشد و با آن قوه، شخص حقایق و بواطن اشیا را  
می‌بیند. حکما قوت بصیرت را عاقله نظریه و قوه قدسیه می‌نامند.<sup>۲</sup>  
مولوی نیز می‌گوید:

ای خدا داده تو را چشم بصیرت از کرم      کز خمارش سجده آرد شهر روح الامین  
یکی از درجات مهم بصیرت، این است که هر کس را خداوند به  
تزکیه نفس و تصفیه دل با زهد و عبادت موفق گرداند و قلب او را از  
زنگار تعلقات دنیوی پاک سازد و از این ظلمت‌ها ره‌ایش کند و  
معرفت را در قلب او روان سازد، فراست در او ظاهر و شکوفا می‌گردد  
(تفجر المعرفة و ثنبت الفراسه)<sup>۳</sup> و حکمت‌ها در قلب او پدیدار می‌شود؛  
چنان که رسول گرامی ﷺ فرمود: «هر کس برای خداوند چهل  
صبح خود را خالص سازد، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش  
سرازیر می‌گردد».

۱. خواجه عبدالله انصاری، *شرح منازل السائرین*، ص ۱۸۹.

۲. عباس کی‌منش، *پرتو عرفان*، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. *شرح منازل السائرین*، ص ۱۹۲.

علامه بحرانی (صاحب رساله الطریق الی الله) می گوید:

«مقصود اصلی شارع از مکلفین، تقویت بصیرت ایشان است تا او را با بینش کامل و آگاهی کافی اطاعت کنند و هر چه موجب تقویت بصیرت و زیادت هوشمندی گردد، مورد نظر حق تعالی است؛ بلکه تأکید بیشتری بر آن دارد.»<sup>۱</sup>

بر این اساس بصیرت، روشن بینی، اندیشمندی و دانایی حکیمانه و انسانی است که همچون چراغی پر نور در شب تاریک، جلوی او را روشن می کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می سازد و مانع از سقوط او در جهالت، ضلالت و حیوانیت می گردد. بصیرت، خرد ورزی فاضله‌ای است که از اخلاق الهی و طهارت روح به دست می آید و بر روشن بینی و نیک اندیشی او، اثری عمیق دارد. این بصیرت اخلاقی است که در شناخت حق از باطل و عیوب فرد و جامعه، شناخت احکام الهی و موانع رشد (وسوسه‌های شیطانی و...) و راه نجات و رستگاری، به انسان یاری می رساند. انسانی که حجاب‌های هوس و تمایلات نفسانی و مادی، جلوی چشم باطن و عقل پویای او را گرفته است، نمی تواند حقایق را آن گونه که هست و راه حیات طیبه و معقول را آن گونه که باید، مشاهده کند؛ اما

۱. حسین بحرانی، سلوک عرفانی (ترجمه الطریق الی الله)، ص ۶۴

طهارت روح و پاکی باطن و رشد دانایی، منجر به درک هرچه بیشتر حقایق و شکوفایی استعدادهای انسانی می‌شود.

بصیرت اخلاقی؛ یعنی همگامی تعلیم و تربیت انسان و برقراری پیوند بین جنبه‌های عقلی و فطری او در جهت رشد و تعالی معنوی و روحی. در واقع انسان با دو بال عقل و اخلاق و در پرتو دانایی و پارسایی، قله‌های کمال را در می‌نوردد و مشکلات و کاستی‌های ناشی از رشد رذایل اخلاقی و فزون خواهی، جهالت، بی‌خردی، دنیاگرایی و... را از خود و جامعه می‌زداید. او در سایه بصیرت اخلاقی، چنان به روشن‌بینی پارسایانه می‌رسد که دنیا برای او فقط دار امتحان و گذر می‌شود و وظیفه و راه نجات خود را در فضیلت‌گرایی و پاک‌زیستی می‌داند و با پی بردن به زشتی انحرافات و معاصی، به فکر آباد کردن آخرت و کسب توشه برای آن می‌افتد. در واقع «بصیرت اخلاقی» هم راهبردی اساسی برای رفع مشکلات بشر است و هم ثمره تعلیم و تربیت واقعی.

خلاصه آنکه در تعریف و تبیین ماهیت «بصیرت اخلاقی» می‌توان گفت: «رشد و بالندگی توأم فکری و اخلاقی انسان جهت رسیدن به کمال نهایی و دستیابی به روشن‌بینی دینی و دانایی معنوی

که منجر به تزکیه و تهذیب انسان و دوری از ناراستی‌ها و کژتابی‌های گوناگون می‌گردد».

### رشد فکری و اخلاقی

عصر ظهور، دوران حیات طیبه و حیات معقول انسانی است؛ عصر حاکمیت عقلانیت و معنویت بر افراد و جوامع. دوره به‌زیستی و کمال‌گرایی است که کمتر نظیری می‌توان برای آن تصور کرد. در این عصر، تمامی ظرفیت‌ها و استعدادهای فطری و عقلی انسان، شکوفا می‌شود و با تربیت اخلاقی و عقلانی او (تزکیه و تعلیم)، حیات نوینی فرا روی او گشوده می‌شود. به نوشته یکی از حکما:

زمان ظهور دولت آن جناب - که زمان ظاهر شدن دولت  
ثانیه حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است از روی باطنی  
آن که مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح  
ظاهری آن که مقام نبوت است.<sup>۱</sup>

در روایات مهدوی، اشاره‌ای صریح به همنوایی و هم‌پوشانی دو بعد فکری و اخلاقی (تعلیم و تربیت) انسان شده و رشد و بالندگی توأم آن دو، به دست مهدی موعود<sup>علیه السلام</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. امام باقر<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید:

۱. سیدجعفر کشفی، تحفة الملوك، ج ۱، ص ۷۸.

«اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم  
و اكمل به اخلاقهم»؛<sup>۱</sup> «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر  
سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و  
اخلاقشان را به کمال می‌رساند»

و نیز آمده که:

«يفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاً»؛<sup>۲</sup> «قلعه‌های گمراهی و  
نادانی و دل‌های بسته را می‌گشاید»<sup>۳</sup> و....

بر اساس روایت امام باقر علیه السلام، عقول و افکار مردم در عصر ظهور،  
شکوفا و متمرکز و اخلاق آنان کامل می‌شود؛ این یعنی، پیوند عقلانیت  
و معنویت انسان و رسیدن به بصیرت اخلاقی. او در سایهٔ بینش عمیق  
و دانایی پارسایانه و ایمانی، ریشه‌های مفسد و معایب را از درون خود  
می‌زداید و بر معرفت و معنویت خود می‌افزاید. در واقع برای تعلیم و  
تربیت انسان، دو بعد اثرگذار در او، تقویت و رشد می‌یابد:

۱. بعد اخلاقی؛ یعنی: تربیت و تزکیه انسان، رشد فضایل اخلاقی و انسانی،

شکوفایی فطرت الهی، عبودیت و عبادت‌گری و معنویت‌گرایی انسان.

۲. بعد فکری؛ یعنی: تعلیم و حکمت‌آموزی انسان، دانایی و

۱. قطب‌الدین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، ج ۲، ص ۸۴۱ محمد تقی مجلسی، *بحار الانوار*،  
ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. قندوزی حنفی، *ینابیع المودة*، ج ۲، ص ۵۸۸.

۳. سید جعفر کشفی، *تحفة الملوك*، ج ۱، ص ۷۸.

روشن‌بینی او، اندیشه ورزی در مبدأ و معاد و... تقویت خرد ورزی و فهم عمیق و واقعی محاسن اخلاقی.

بر اساس روایت پیش‌گفته (وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم) امام زمان علیه السلام پس از ظهور، با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت‌های پیامبرگونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می‌کند. مقصود از دست (وضع یده) در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است. کلمه «ید» به معنای دست در زبان عربی، مفاهیم و مصداق‌های گوناگونی دارد. یکی از معانی ید، نعمت و رحمت است.<sup>۱</sup>

در این صورت معنا چنین می‌شود: در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، با آفت‌زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می‌شود و همه آنان هدایت می‌یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می‌رسند. خداوند در قرآن کریم در مورد یکی از حکمت‌های نبوت می‌فرماید:

**﴿و یضع عنهم اصرهم و الأغلال الی کانت علیهم﴾<sup>۲</sup>؛ «پیامبر**

۱. مفردات راغب، ص ۸۸۹

۲. اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

زنجیرها و مشقت‌ها (جهالت و هواپرستی) را از آنها (مردم) بر می‌دارد.

در اینجا منظور از زنجیر و مشقت، بندها و زنجیرهای مادی نیست؛ بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم با هدایت‌ها و تلاش‌های فراوان فرهنگی، آن را از انسان‌ها بر طرف ساخت. در عین حال از هدایت‌های تکوینی ویژه‌ای نیز استفاده کرد و در دل و جان مردم مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

در عصر ظهور نیز امام مهدی علیه السلام، تمامی موانع و آفت‌های رشد و تعالی عقلانی انسان‌ها را از بین می‌برد و عقول آنان را به حد بالایی از شکوفایی و رشد می‌رساند. علاوه بر آنکه تزکیه و تهذیب نفوس انسانی و طهارت جامعه بشری را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهد.

در اینجا حضرت مهدی علیه السلام ادامه دهنده راه پیامبران و تکمیل‌کننده برنامه‌های آنان به خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. در واقع در این عصر به دو بعد تعلیم و تزکیه عموم مردم پرداخته می‌گردد؛ یعنی، هم بر بصیرت و دانایی آنان افزوده می‌شود و هم پاکسازی و تزکیه نفوس در اولویت قرار می‌گیرد.

قرآن در این رابطه می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۱</sup>؛ «او است که در میان قوم بی‌کتاب، پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکیزه‌شان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد».

بر اساس این آیه، تکامل وجود انسان از جنبه‌های علمی و عملی و تزکیه و تهذیب او، به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر ﷺ معرفی شده است و یکی از زمینه‌ها و بسترهای رسیدن به این هدف، بصیرت بخشی و علم‌آموزی به انسان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند فرستادگان خود را در میان مردمان برانگیخت و پیامبران خویش را پیاپی روانه کرد تا از آنان رعایت میثاق فطری الهی را باز طلبند و نعمت‌های فراموش شده خدایی را به آنان یاد آور سازند و نیروهای پنهان عقل آدمی را آشکار کنند (یثيروا لهم دفائن العقول) و آیات بهنجار آفرینش را به مردمان بنمایانند...»<sup>۲</sup>.

بر این اساس نقش اصلی دعوت پیامبران، گسترش دانایی و آموزش و تعلیم است و ایمان و معرفت، خود از شاخه‌های دانایی به

۱. جمعه (۶۲)، آیه ۲.  
۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۳.



شمار می‌رود. پیامبران به انسان‌ها، راه و رسم زندگی و هدف و نتیجه آن را می‌آموختند و ارزش انسان و والایی مقام و نقش برجسته او در کائنات و توانایی و ظرفیت وجودی او را در رسیدن به تکامل فراگیر و تعالی روحی، به وی یادآور می‌شدند. در پرتو چنین تعلیمی، نیروی تفکر و خردورزی را در او بیدار می‌کردند و به اندیشه درباره مبدأ و معاد و کشف رموز و اسرار آیات الهی و می‌داشتند. البته در کنار این و فراتر از آن، به تزکیه و تهذیب او اهمیت داده و راه رسیدن به کمال را در اخلاق متعالی و معنویت دینی می‌دانستند.

### پیوند تعلیم و تربیت

تقسیم تربیت به دو بخش عقلانی و اخلاقی، در فلسفه جدید تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته است. ژان پیاژه، یکی از متخصصان این فن، ضمن تأکید بر همراهی حیرت آور این دو بخش از تربیت، ایجاد تفکر منطقی را در انسان مستلزم پرورش او می‌داند و بر تربیت عقل و قلب اصرار می‌ورزد. به نظر وی:

«اولین وظیفه تربیت تشکیل و بنا کردن عقل است... حق بهره مندی از تربیت اخلاقی همانند برخورداری از پرورش عقلی، در این است که آدمی حق داشته باشد، عقل و اخلاق را واقعا در خود بسازد یا لا اقل در تهیه و ساختمان آنها

سهیم باشد و آن متضمن چیزی بالاتر از کسب معرفت‌ها یا گوش دادن به درس و اجبار به اطاعت است. این حق در واقع، حق سفتن و پرداختن لوازم معنوی گران بهایی است که ساختن آنها در گرو محیط اجتماعی مخصوصی است.<sup>۱</sup>

خواجه نصیر طوسی می‌گوید:

در صورتی انسان به سعادت واقعی نایل می‌شود که شهوت و غضب و آمال و آرزوهای خویش را تحت فرمان خرد قرار دهد و خرد را به فرمان دین در آورد و اراده خویش را در مشیت خداوند فانی سازد.<sup>۲</sup>

انسان موجودی است اثرگذار و تأثیر پذیر؛ ولی اثرپذیری او باعث شده است که موجودی قابل انعطاف باشد. نفس انسان در آغاز سالم، صاف و بی‌آلایش است و می‌تواند تحت تعلیم و تربیت‌های گوناگون قرار گیرد. همچنین چون انسان دارای قدرت اختیار، انتخاب و اراده آزاد است؛ هم مسؤول است و هم می‌تواند ماهیت‌های متفاوت و مختلف پیدا کند و این تعلیم و تربیت است که آینده و سرنوشت انسان را می‌سازد و مسیر زندگی وی را تعیین می‌کند. اگر تربیت و تعلیم بر اساس فطرت پاک و استعدادهای درونی عالی او باشد، در

۱. ژان پیازه، تربیت به کجا ره می‌سپرد، ترجمه منصور و دیگران، ص ۵۳.

۲. نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۱۴۲.

این صورت او یک انسان پاک و وارسته و متخلق به اخلاق اسلامی به بار خواهد آمد و اگر تربیت شخصی، مبتنی بر فساد اخلاقی و معیارهای غیر الهی باشد، از وی فردی فاسد و بی‌ایمان ساخته خواهد شد. یکی از متفکران معاصر می‌نویسد:

«عقل و قلب آدمی یا به عبارت دیگر این دو نوع فعالیت درونی، موقعی است که نورانیت روح را - که روشنایی خود را از مبدأ اعلی (نور السماوات و الارض) گرفته است - بپذیرد؛ کلیه احکام و فعالیت‌های آنها نورانی می‌شود و اگر آن دو پدیده به همین روشنایی‌های طبیعی قناعت بورزند و رابطه خود را از روح و نورانیت آن قطع کنند، مانند حواس طبیعی که داریم، تنها پدیده‌ها و روابط صوری جهان طبیعت را درمی‌یابند؛ چنان که چشم را این نور حالی بین کند، همچنین جسم و عقل و روح را گرگین کند»<sup>۱</sup>.

عقل و دل‌هایی گمانی عرشی‌اند      در حجاب از نور عرشی می‌زیند  
عقل باید نور ده چون آفتاب      تا زلد تینی که نبود جز صواب

این نکته کلیدی و مهم در عصر ظهور مورد توجه بایسته و شایسته قرار می‌گیرد و انسان با دو بال علم و اندیشه و تربیت و تزکیه، به رشد و کمال می‌رسد. او با ابزار علم و خرد، بر جهان بدعت و جهالت ویرانگر

۱. محمد تقی جعفری، نقد و تفسیر و تحلیل مثنوی، ج ۷، ص ۲۷۲.

خود فائق می‌آید و با تهذیب و تزکیه نفس، هر چه بیشتر با خود و خدای خود آشنا شده، بر نفس پیروز می‌گردد و به کمال شایسته خود (عبودیت و بندگی) می‌رسد. این، یعنی: شکوفایی ظرفیت‌های روحی و معنوی انسانی، فزونی حیرت‌انگیز ایمان و تقوا، فضیلت محوری، بالا بردن سطح دانایی و خردورزی و در نتیجه، رسیدن به «بصیرت اخلاقی».

این نظریه مبتنی بر نگرش چند بعدی و جامع به انسان و امور مختلف او بوده و در صدد تبیین این انگاره است که انسان با روشن‌بینی پارسایانه و اخلاق و ایمان، می‌تواند تمامی مسائل خود را سامان درست ببخشد و در پرتو بصیرت واقعی، به خیر مطلق و سعادت برین (قرب الهی و عبودیت) نایل آید؛ چنان که در روایت زیبایی آمده است:

«الخير كله في ذلك الزمان يقوم قائمنا و يدفع ذلك كله»؛  
 «همه خیرها در آن زمان است؛ وقتی که قائم ما قیام کند و زشتی‌ها را از میان برمی‌دارد».

یکی از ابعاد مهم این نظریه، تکیه بر فزونی دانایی و پارسایی انسان و تغییر و تحولات گسترده فرهنگی و درونی در او و جامعه است. پی بردن به باطن و عمق پدیده‌ها، به خصوص کاستی‌های اخلاقی و

رذایل فردی و اجتماعی، و مشاهده واقعیات هستی و بایسته‌های اخلاقی و ایمانی و... از دستاوردهای این نوع نگرش است. به عنوان نمونه بحث عدالت در عصر ظهور مؤلفه‌ای مهم و فراگیر است؛ به طوری که در ابعاد مختلف زندگی محقق خواهد شد (حتی در ابعاد اخلاقی). برای اینکه انسان‌ها از مزایا و زیبایی‌های عدالت آگاه شوند، باید با تمام وجود آن را درک کنند و به عمق و ژرفای آن پی ببرند و در واقع با دل و جان پذیرای آن باشند. به همین جهت در روایات آمده است: حضرت مهدی علیه السلام واقعیت عدل را به تمام معنا برای مردم جلوه‌گر خواهد ساخت و آنان نیز با بصیرت خود، آن را مشاهده خواهند کرد (فیریکم کیف عدل السیره).

حتی در کنار این می‌توان به روایتی اشاره کرد که خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی مردم می‌افزاید (اذا قام مدالله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم)؛<sup>۱</sup> این وسعت بینایی، می‌تواند علاوه بر امور ظاهری، در امور معنوی و باطنی نیز کاربرد داشته باشد. به هر حال انسان‌ها در پرتو تعلیم و تربیت واقعی و فراگیر به بصیرت و آگاهی‌ای می‌رسند که اخلاق محور و فضیلت‌گرا است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۴، ج ۳۲۹.

### چرایی بصیرت اخلاقی

برای پاسخ به این پرسش که چرا فرض «بصیرت اخلاقی» در جهت تغییر و تحول رفتارها و گفتارها و پندارها در عصر ظهور مطرح شده و اینکه چرا توجه ویژه‌ای به رشد فکری و اخلاقی گشته است، چند انگاره و دلیل را می‌توان بیان کرد. در واقع تعلیم و تربیت در عصر ظهور، مبتنی بر سه خاستگاه و مبنای فکری و دینی است:

#### یک. کنه شناسی و پاسخ‌های چند سطحی

پرسش مهمی که در ابتدا باید مطرح کرد این است که علوم - به خصوص فلسفه - به دنبال چیست؟ شناخت وجود؟ شناخت حقیقت؟ شناخت اندیشه؟ شناخت تجربه؟ شناخت بودن؟ شناخت مشکل و...؟ پاسخی هم که به دنبال آن می‌گردد، چیست؟ به نظر می‌رسد به جهت تعدد آرا و اندیشه‌ها، هیچ وقت نتوان پاسخ روشن و قاطعی به آنچه که باید باشد، داد؛ زیرا پاسخ‌ها متفاوت و متعدد و مشکلات و کاستی‌ها فراوان است... این عدم رسایی و کارآمدی، نشان می‌دهد که باید مسیر دانش‌ها را عوض کرد و به دنبال ریشه یابی واقعی مشکلات و کاستی‌ها بود؛ آن وقت متناسب با این دریافت‌ها (که ممکن است در سطوح مختلفی به ریشه و علت آنها رسید)، پاسخ‌های مختلف و چند سطحی ارائه کرد؛ یعنی، یک مشکل و پدیده سیاسی یا

اجتماعی، ممکن است دارای ریشه‌ها و عوامل به وجود آورنده متعددی - آن هم در سطوح و مراحل مختلفی - باشد. ما باید ابتدا برای هر سطح از این عامل ایجاد، پاسخ‌های درخوری (کوتاه مدت، میان مدت و مادی و صوری) ارائه بدهیم. آن‌گاه ریشه و عامل اصلی آن را یافته و پاسخ کامل، بنیادین و بلند مدتی برای رفع آن ارائه کنیم. این «کنه‌شناسی» و پاسخ‌های چند سطحی است که می‌توان در آموزه‌های دینی، به خصوص آموزه‌های عرفانی، اخلاقی و سیاسی، آن را مشاهده کرد و به راه حل‌ها و پاسخ‌های روشن و بنیادین آن پی برد.

به عنوان مثال جنگ و کشتار یکی از پدیده‌های مهم زندگی سیاسی و از اساسی‌ترین مشکلات بشر است. در «کنه‌شناسی جنگ» ابتدا به عواملی چون اختلافات ژئوپولیتیکی (جغرافیایی)، تضادهای نژادی، منفعت طلبی مادی و استعمار دیگران و... پی می‌بریم. در این سطح می‌توان به کمک سازمان‌های فراملی و یک سری قواعد حقوقی، تا حدی جنگ را کنترل کرد. اما در سطح بعدی ما با روحیه استکباری، زیاده خواهی، افکار مازوخیستی، تجاوزگری، سفاکی و... رو به رو هستیم که پاسخ آن جهاد و مبارزه و استقامت و از بین بردن ظالمان و سفاکان است.

اما در سطح بالاتر به کنه این مشکلات و ناهنجاری‌ها پی

می‌بریم و آن عدم تهذیب انسان، قوت گرفتن خوی حیوانی و شیطانی، رشد اخلاق ذمیمه (حرص و آز) و دوری از تعالیم دینی و اخلاقی و... است.

در این سطح به بایستگی تربیت و تعلیم انسان، تزکیه و تهذیب او و از بین بردن رذایل اخلاقی و حاکمیت ورع و تقوا پی می‌بریم. این همان چیزی است که پیامبران برای آن مبعوث شده و صالحان و امامان برای آن تلاش کرده‌اند و منجی موعود نیز برای تحقق آن ظهور خواهد کرد (یزکیهم و یعلمهم).

پس «کنه شناسی»، در صدد ریشه یابی واقعی مشکلات و کاستی‌های زندگی فردی و اجتماعی بشر و یافتن سطوح مختلف عوامل به وجود آورنده این مشکلات است. پس از پی بردن به کنه و ریشه مشکلات، پاسخ‌های متناسب در سطوح مختلف ارائه می‌شود؛ اما مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پاسخ، پس از یافتن ریشه و کنه اصلی و واقعی مشکلات و پدیده‌ها ارائه می‌شود (نهایی‌ترین پاسخ ممکن).

یکی از علما و بزرگانی که به دقت این مسأله را مورد توجه قرار داده، امام خمینی علیه السلام است که در اینجا به چند مورد از دیدگاه‌های ایشان درباره ریشه و کنه ناراستی‌ها و مشکلات اشاره می‌شود:



## ۱. حب دنیا

ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد، به حب دنیا بر می‌گردد و اگر در میان شما هم چنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حب دنیا را از دل بیرون نکرده اید. مردان خدا که حب دنیا را از دل بیرون کرده اند، هدفی جز خداوند ندارند، هیچ گاه با هم بر خورد نداشته، چنین مصایب و مفاسدی به بار نمی‌آورند. اگر تمام پیامبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند، هرگز با هم دوییت و اختلاف نخواهند داشت؛ زیرا هدف و مقصد یکی است. دل‌های همه متوجه به حق تعالی بوده، از حب دنیا خالی است.<sup>۱</sup>

## ۲. عدم تربیت و تزکیه

... چنانچه خودمان را تربیت بکنیم، مشکلات مان همه رفع می‌شود. همه مشکلات از این است که ما تربیت نشده‌ایم؛ یک تربیت الهی و تحت بیرق اسلام در نیامدیم. به واقع همه این کشمکش‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید، همه این کارشکنی‌ها... همه اینها برای این است که تربیت در کار نیست، تزکیه نیست.<sup>۲</sup>

گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم، تربیت نشده ایم. عالم شدند، تربیت نشدند، دانشمند شده اند، تربیت

۱. امام خمینی، جهاد اکبر، ص ۳۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۶۷.

نشده‌اند. تفکراتشان عمیق است، لکن تربیت نشده‌اند... غایت  
بعثت این تزکیه است. غایت آمدن انبیا این تزکیه است و دنبالش  
آن تعلیم.<sup>۱</sup>

### ۳. جهالت و فقر فرهنگی

... تمام گرفتاری‌هایی که ما در طول مدت تاریخ داشتیم، بهره  
برداری از جهالت مردم بوده است. جهالت مردم را آلت دست  
قرار داده‌اند و بر خلاف مصالح خودشان تجهیز کردند. اگر علم  
داشتند، علم جهت دار داشتند، ممکن نبود که مخربین بتوانند آنها  
را به یک جهتی که بر خلاف آن مسیری است که مسیر خود ملت  
است، تجهیز کند. علم و سواد است آن جهتی که باید به او توجه  
کرد که می‌تواند ملت را از همه گرفتاری‌ها نجات بدهد.<sup>۲</sup>

### علل ناراستی‌های قبل از ظهور

انگیزه‌ها و علل انحراف در جامعه پیش از ظهور نیز شامل موارد  
متعدد می‌شود؛ از جمله:

۱. فرهنگ سازی ضد دینی از سوی دولت‌ها (و مکاتب) برای به  
انحراف کشاندن نسل‌های رو به رشد در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۳۱.

رسانه‌های ارتباط جمعی؛

۲. اعمال فشار از سوی حکومت‌ها برای وضع و اجرای قوانین

مخالف با عدالت اسلامی؛

۳. نیاز مالی به طور عام و رقابت‌های سود جویانه به طور خاص

که باعث می‌شود فرد برای رسیدن به ثروت به هر کاری دست بزند؛

۴. رقابت‌های کور اجتماعی و تجمل‌گرایی در مسکن و لباس و

اسراف در خوراک و نیز استفاده از امکانات مدرن به دلیل راحت

طلبی و فخر فروشی؛

۵. تحریک غریزه جنسی انسان‌ها در اشکال مختلف و...<sup>۱</sup>

با بررسی روایات مربوط به دوران قبل از ظهور، می‌توانیم ریشه و

کنه بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌ها را در گزینه‌ها و انگاره‌های زیر

شناسایی کنیم:

### ۱. قساوت و ناراستی قلوب

«هنگامی که مردم بر روی دل‌های درنده خوی خود جامه

میش پوشند، دل‌های آنها از مردار گندیده‌تر و از خار، تلخ‌تر

است» و «دل مرد را قساوت می‌گیرد و همانند بدنش می‌میرد»

۱. سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۵۶.

و «دلها را قساوت می‌گیرد، دیده‌ها خشک می‌شود و تلاوت قرآن بر زبان‌ها سخت می‌گردد».

### ۲. نبود حق و عدالت

«حق، مرده و اهل حق رخت بر بسته است... جور و ستم همه شهرها را فرا گرفته است» (رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ)<sup>۱</sup>.

«دلها را قساوت می‌گیرد و زمین پر از ستم می‌شود». «ستم و تباهی فراوان و منکر آشکار می‌شود» (كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ)<sup>۲</sup>.

«زمین با جور و ستم پیشوایان ظالم و گمراه می‌میرد» (بعد موتها بجور أئمة الضلال)<sup>۳</sup>.

### ۳. کفر و تباهی جوامع

«زمین با کفر اهل آن می‌میرد» (بعد موتها بكفر اهلها) و «کافران... از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست نمی‌کنجند» (رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مَرِحاً لِمَا

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۶.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰.

۳. نعمانی، الغیبه، ج ۲، ص ۱۷.

### يَزِي فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ<sup>۱</sup> .

«فاسق ترین مردمان بر آنان حکومت می‌کند و پست‌ترین مردم، پیشوایان می‌شوند. اشرار از ترس شرارت مورد احترام می‌باشند و غنا و موسیقی علنی می‌گردد. هر ملتی، ملت‌های پیش را لعن می‌کنند.»

### ۴. مرگ انسانیت و اوج شیطنت ابلیس

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته و همراه خون، در شریان‌هایشان حرکت می‌کند. همواره انسان‌ها را به تهمت و افترا تشویق می‌کند تا فتنه‌ها افق شهرها را فرا گیرد...»

«اهل آن زمان گرگ شده و پادشاهان آنها درنده و مردم متوسط آنها خورنده و بینوایان آنها چون مردگان افسرده باشند» (وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا، وَ سَلَّاطِينُهُ سِبَاعًا، وَ أَوْسَاطُهُ أَكْثَالًا، وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا)<sup>۲</sup>.

«زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون آنها پلید می‌شود؛ ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می‌گردد.»

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۳۹.

## ۵. ضعف ایمان و دین‌داری

«دل‌ها از ایمان تهی می‌گردد و مؤمن در میان آنان به هر گونه ذلت و خواری دچار می‌شود» (قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ)<sup>۱</sup>.

«مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می‌روند، آن چنان که دسته دسته به آن داخل شده‌اند» (سَيُخْرِجُونَ أَقْوَامًا مِنَ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا)<sup>۲</sup>.

«اهل زمانه دگرگون می‌شوند... دل‌ها را شک و تردید فرا می‌گیرد. رشته دین از گردن آنها خارج می‌شود و پیوند آنها با دین قطع می‌گردد».

## ۶. نبود اخلاق و معنویت

«نمازها تباه می‌شود [و انسان‌ها] به دنبال شهوت‌ها رفته و از هوای نفس پیروی می‌کنند» (إِضَاعَةُ الصَّلَاةِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ)<sup>۳</sup>.

«خودپرستی در اعماق دل‌ها، نفوذ کرده آن سان که سمومات در بدن‌ها نفوذ می‌کند [و باعث مرگ می‌شود] (ذَبَابُ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ كَذَبِيبِ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ)<sup>۴</sup>. «راستی و درستی، کمیاب و نادر می‌شود و دروغ همه جا را فرا می‌گیرد» و...»

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۹.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۰۵.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

## ۷. کم رنگ شدن خردورزی و دانایی

«ضلالت و گمراهی فراوان می‌شود و هدایت کمیاب می‌گردد» «زمانی ظاهر می‌شود که علم [واقعی] رخت بر می‌بندد و نادانی ظاهر می‌شود» (يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ).<sup>۱</sup>

«جهالت بر سریر قدرت می‌نشیند و زنگ باطل پس از یک دوره سکوت به صدا در می‌آید. مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر می‌دهند» (أَخَذَ الْبَاطِلُ مَاخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَائِبَهُ)<sup>۲</sup> و....

با بررسی این موارد ما به صراحت در می‌یابیم که مشکل اساسی و همیشگی بشر، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی‌اش، وجود خلأ «اخلاق» است. مشکل بشر، فقر دانش نیست؛ فقر اخلاق و عدم پیوند علم و عقل با اخلاق انسانی است. یک نگاه گذرا کافی است تا این حقیقت را اثبات نماید که سوختن صدها میلیون انسان جهان سومی در ورطه‌های فقر، اعتیاد، بیماری‌های مدرنی چون ایدز و... عاملی جز خلأ اخلاق ندارد. اخلاق ضرورتی است که خلأ آن در میان همه جوامع احساس می‌شود؛ اما این آتش افتاده به جان انسان‌های

۱. همان، ج ۵۱، ص ۷۰.

۲. همان، ج ۳۴، ص ۲۳۹.

مستضعف، بیشتر معلول فقر اخلاقی در میان جوامع پیشرفته و به ویژه رهبران و سردمداران آنها است.

انسان بدون اخلاق و تربیت واقعی و بدون شکوفایی استعدادهای درونی و ابعاد روحی و فطری؛ یعنی، انسان فاقد همه چیز. هر چه پیشرفت علم و صنعت بیشتر باشد، نیاز به رعایت اخلاق شدیدتر می‌شود.

پس از شناخت این ریشه‌ها و عوامل است که می‌توان تصویری واقع بینانه از عصر ظهور و پاسخ‌های متناسب برای رفع مشکلات و راه‌حلهایی چند سطحی برای اداره امور - که در روایات به صراحت به پاره‌ای از آنها اشاره شده است - به دست آورد.

### دو. تکامل چند بعدی (کمال نهایی و کمالات فرعی)

کمال (فرارسایی)، عبارت از صفتی است که بر رشد وجودی یک موجود یا پیدایش صفت مناسب در موجود، اطلاق می‌شود... در جهان طبیعت هر موجودی در جست و جوی آن است که به کمال نهایی و لازم وجودی‌اش نایل شود. کمال نهایی هر موجودی، عبارت از رسیدن او به آخرین درجه وجودیش‌اش می‌باشد. انسان قبل از



آنکه تهذیب نفس کند و به ظهور فعلی فضایل بپردازد تا به کمال برسد؛ باید به کمال نهایی‌اش عالم و آگاه باشد تا شرایط لازم جهت رسیدن به آن را فراهم آورد. البته برای رسیدن به این کمال نهایی، باید از معبرها و گذرگاه‌هایی عبور کند و به کمالات مختلفی - که نقش واسطه‌ای دارند - دست یابد.

تکامل و تعالی فراگیر، همواره مورد توجه و خواست انسان بوده و رسیدن به کمال و سعادت، آرمان همیشگی او بوده است. با این حال یکی از مجهولات او این است که کمال انسان در چیست؟ در این رابطه دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ مانند:

۱. کمال انسان در ترقی عقلانی است که از راه علم و فلسفه حاصل می‌شود.

۲. کمال انسان در برخورداری هر چه بیشتر از لذایذ مادی است. برای رسیدن به آن باید با ابزار علم و تکنیک، از منابع و ثروت‌های طبیعی استفاده کرد تا زندگی مرفه‌تر و لذت بخش‌تری فراهم آید.

۳. کمال انسان در ترقیات معنوی و روحانی است که از راه ریاضت‌ها و مبارزه با لذایذ مادی حاصل می‌شود.

۴. کمال انسان در برخورداری دسته جمعی از مواهب طبیعی است و برای رسیدن به آن، باید در راه رفاه همه طبقات اجتماع کوشید.

۵. کمال انسان در رشد عقلانی و اخلاقی است که از راه تحصیل علوم و کسب ملکات فاضله به دست می‌آید و . . . .

بر اساس آیات و روایات، کمال اصلی و نهایی انسان، «قرب و لقای الهی» است. کمال حقیقی او، همان مقام قرب پروردگار است و سایر کمالات بدنی و روحی، همه مقدمه و ابزار رسیدن به چنین مقامی هستند. هدف و غایت زندگی و تاریخ بشری خدا است و باید همچنین باشد (الی الله عاقبة الامور). فرجام تاریخ، کمال همه جانبه انسان‌ها در همه ابعاد و زمینه‌ها است؛ هر چند جوامع انسانی شاهد زوال و انحطاط و فروکاهیدگی معنوی بوده است.

پس مطلوب نهایی، وابستگی به موجودی بی‌نهایت کامل؛ یعنی، قرب خدای متعال است. در این مقام است که انسان ارتباط کامل خود را با آفریدگار می‌یابد و خود را متعلق و مرتبط به او؛ بلکه عین تعلق و ربط به او مشاهده می‌کند و در برابر او برای خود هیچ نوع استقلال و استغنائی نمی‌بیند. و در این مرتبه است که همه اشیاء را قائم به ذات اقدس الهی می‌بیند و علم حضوری به حقایق هستی پیدا

می‌کند و به اندازه ظرفیت وجودی خود، از انوار جلال و جمال الهی، بهره‌مند می‌شود و میل فطری او به شناختن حقایق هستی ارضا می‌گردد.

همچنین در این مرتبه است که به سرچشمه قدرت بی‌نهایت راه می‌یابد و در اثر ارتباط با آن، توان انجام هر کاری را که در تیر رس خواست و اراده‌اش قرار گیرد، پیدا می‌کند و میل قدرت طلبی او اشباع می‌شود.

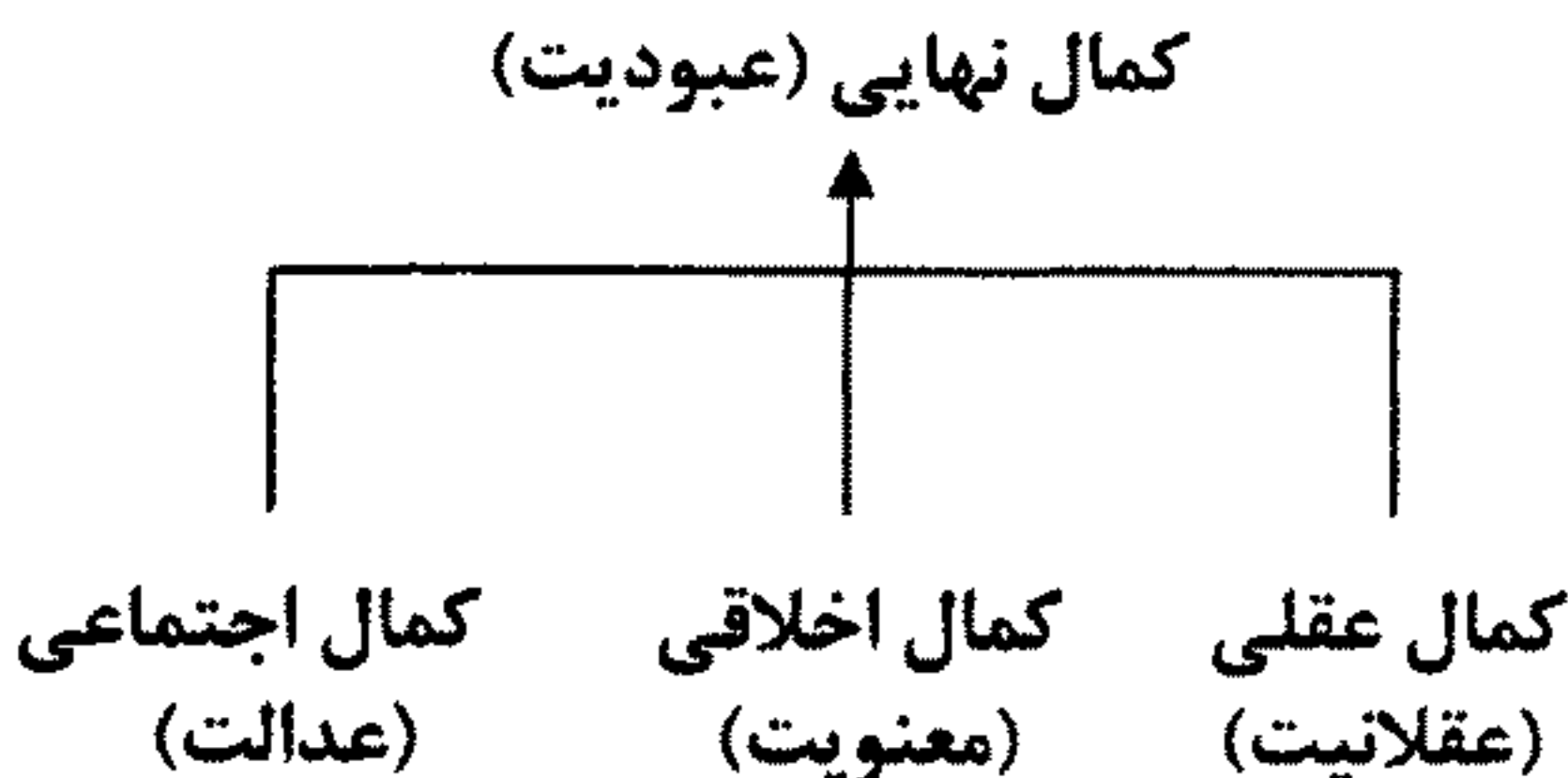
و نیز در این مرتبه است که می‌تواند بالاترین درجه محبت را به والاترین محبوب‌ها پیدا کند و به نهایت قرب و نزدیکی و وصول و ارتباط حقیقی به او نایل آید و در نتیجه به بهترین و پایدارترین لذت‌ها دست یابد (فی مقعد صدق عند ملوک مقتدر).<sup>۱</sup>

این کمال نهایی، مراد و مطلوب انسان‌های کامل و مبدأ و مقصد اعلائی حرکت تکاملی بشر و اساس تعالیم پیامبران بوده است؛ ولی تحقق کامل آن (یعنی رسیدن انسان به کمال نهایی خود در این دنیا) آن هم در ابعاد بسیار وسیع و گسترده، تنها در عصر ظهور خواهد بود. راه رسیدن به این کمال بنیادین (قرب الهی و عبودیت)، گذر از کمالات مختلف است؛ یعنی انسان ابتدا به یک سری کمالات فرعی

۱. ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی، ص ۲۰ و ۴۱.

(غیر اصلی) نایل می‌شود، آن گاه از طریق این کمالات واسطه‌ای (کمال خلقی، کمال عقلی و کمال اجتماعی)، به کمال مطلق دست می‌یازد. انسان خردورز مهذب، می‌تواند به عبودیت و قرب الهی نایل شود و خود را در مدار هستی و فرجام تاریخ قرار دهد؛ این انگاره در فلسفه متعالی تاریخ و نظریه «دولت اخلاقی مهدوی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است<sup>۱</sup> و ما در اینجا تحت عنوان «بصیرت اخلاقی» مطرح کرده‌ایم.

آنچه که انسان را به این کمال رهنمون می‌سازد، تعلیم و آموزش جهت‌دار (کمال فکری) و تربیت در راستای تحقق فضایل انسانی و اجتناب از رذایل اخلاقی (کمال اخلاقی) است که بدین وسیله فرد به کمال مطلق می‌رسد.



۱. ر. ک: نگارنده، آینده جهان، صص ۵۳-۵۶ و ۲۲۲-۲۲۷.

عقل عالی‌ترین معرفت انسان را - که با روح انسانی همسان است - ملاحظه کرده و با توجه به اینکه کمال انسانی در بالا رفتن مرتبه آن معرفت است، حکم می‌کند که کمال نهایی در نیل به عالی‌ترین معرفت شهودی است که در پس حرکت به سوی شهود مطلق، وجود مطلق و کمال مطلق حاصل می‌شود؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً  
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾<sup>۱</sup> «ای نفس آرامش یافته! به  
سوی پروردگارت بازآی که تو خوشنود و او راضی از تو  
است...».

نفس مطمئنه، عبارت است از وصال روح انسانی به حقیقت مطلق که پروردگار عالم است و اخلاق اسلامی این وظیفه خطیر را بر عهده دارد که در انسان قابلیت جهت نایل شدن به رشد انسانی به وجود آورد تا خداوند متعال بر کمال وجودی او بیفزاید.<sup>۲</sup> پس بدون تزکیه و تهذیب نفس و تعلیم و حکمت‌آموزی، نمی‌توان به آن کمال واقعی و نهایی دست یازید.

بر اساس بعضی از روایات و تفاسیر و یافته‌های عقلی و تجربی بشر، این «وصال موعود» و فرا‌رسایی (کمال) واقعی، با ظهور حضرت

۱. فجر (۸۹)، آیه ۲۷ تا آخر.

۲. ر. ک: امین زاده، اخلاق اسلامی، ص ۲۷.

مهدی و تشکیل حکومت جهانی وقوع خواهد یافت و انسان از طریق کمالات فرعی (رشد فکری و اخلاقی و اجتماعی)، به کمال نهایی (قرب الهی و عبودیت) خواهد رسید.

در دیدگاه متفکرانی چون علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز پیوند کاملی میان کمال نهایی بشر با عصر ظهور مهدوی بر قرار شده و شکوفایی ارزش‌های انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌گوید:

به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری، پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا، همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی خواهد بود...<sup>۱</sup>.

استاد مطهری نیز می‌نویسد:

... انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود؛ یعنی، مرحله انسان ایده آل و جامعه ایده آل نزدیک‌تر می‌شود تا آنجا که در نهایت امر حکومت عدالت؛ یعنی، حکومت کامل ارزش‌های انسانی - که در تعبیرات اسلامی از آن به

۱. محمد حسین طباطبایی، *تبیح در اسلام*، ص ۳۰۸.

حکومت مهدی تعبیر شده است - مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خود خواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود.<sup>۱</sup>

در روایات به صراحت به این تکامل فراگیر و مطلق بشر (عبودیت و بندگی) اشاره شده است:

«الملك للرحمن اليوم و قبل اليوم و بعد اليوم و لكن اذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل»<sup>۲</sup>؛ «پادشاهی (و حاکمیت) برای خداست امروز، دیروز و فردا؛ اما زمانی که قائم عجل الله قیام می کند، جز خدا عبادت نمی شود».

«ابشروا بالمهدی... يملأ قلوب العباد عبادة و يسعهم عدله»<sup>۳</sup>؛ «بشارت باد به [آمدن] مهدی! او دل های بندگی را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد»

و نیز:

«فلا يبقى في الارض معبود دون الله عزوجل من صنم و وثن و غيره الا وقعت فيه نار فاحترق»<sup>۴</sup>؛ «جز خداوند بلند مرتبه، هر معبودی که در زمین باشد؛ اعم از بت های بی جثه با صورت و بی صورت و جز آن، آتش گرفته، می سوزد».

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۴۱.

۲. شرف الدین حسینی، تاویل الآيات الظاهرة، ص ۳۶۱.

۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۹.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

### سه. بایستگی انقلاب هنجاری

انسان موجودی تربیت پذیر و قابل تغییر و رو به رشد و بالندگی است. بدین جهت حرکات و صفات او، مورد توجه مکاتب اخلاقی، عرفانی و تربیتی بوده است و پیامبران نیز بیشترین تلاش و همت خود را مصروف تغییر رفتارها و عادت‌ها و پندارهای مردم کرده اند؛ یعنی، مردم یک سری عادت‌ها و رفتارهای نابهنجار و مشکل سازی دارند که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، منشأ بسیاری از کاستی‌ها، ناملایمات، تخریب‌ها و تحقیرها است. بعضی از این اعمال و عقاید، چنان باطل و مخرب است که تبدیل به رذیله اخلاقی، باورهای غیر انسانی و عادت‌های ناپسند می‌شود و تغییر و دگرگونی آنها، نیاز به مجاهدت‌های گسترده تبلیغی و تربیتی و پرورش ویژه فکر و حکمت‌آموزی دارد. رسول گرامی اسلام، سالیان متمادی به تزکیه و تعلیم مردم پرداخت و توانست با ارشادات و هدایت گری‌های خود، تا حدودی مردم و جامعه آلوده را پاکیزه سازد و دگرگونی شگفتی در عادت‌ها و صفات ناپسند اخلاقی آنها ایجاد کند.

این مسأله نشان می‌دهد که برای اصلاح فرد و جامعه و تغییر رویکردها، بینش‌ها و منش‌های ناسالم و ویرانگر، نیاز به یک انقلاب



اساسی و بنیادی در افکار و عقاید و اخلاق دارد. این انقلاب بیشتر می‌تواند ماهیت ارزشی، اخلاقی و فرهنگی داشته باشد؛ یعنی، تغییر و دگرگونی بایسته و اثرگذاری که انسان را به سرشت و فطرت پاک خود برگرداند، سیرت و باطن او را پاک سازد و رذایل اخلاقی و ملکات غیر فاضله را به مکارم اخلاقی و ملکات انسانی تبدیل کند. این «انقلاب هنجاری» هم می‌تواند در سطح فردی باشد و هم در سطح اجتماعی؛ هم در سطح فکری و علمی باشد و هم در سطح اخلاقی و معنوی و... بدون این انقلاب گسترده و فراگیر فرهنگی، اصلاح بشر، امکان پذیر نیست. کانت - متفکر اخلاقی غرب - نیز به این نکته اشاره کرده است:

اصلاح اخلاقی انسان، مستلزم وقوع یک انقلاب اساسی در شخصیت و روحیه او است؛ یعنی، انقلاب در شیوه تفکر و نحوه ارزش گذاری او در امور زندگی و با صرف اصلاح خلق و خو، بهبود اخلاقی حاصل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

انقلاب هنجاری مذکور، به طور کامل و گسترده در عصر ظهور صورت خواهد گرفت و بر اساس روایات تأثیرات شگرفی بر منش‌ها و بینش‌های مردم خواهد نهاد. این دگرگونی به دست امام مهدی علیه السلام

۱. ایمانوئل کانت، دین در محدوده عقل تنها، ص ۳۰، (مقدمه).

خواهد بود که بر اساس نظام امامت، کار اصلاح و هدایت‌گری مردم را بر عهده دارد و جهت بهبود همه امور، به تربیت اخلاقی آنان همت می‌گمارد و به دست الهی خود، فکر و اخلاق مردم را تغییر داده و آنها را کامل می‌کند. این انقلاب هنجاری، بیشتر ماهیت فرهنگی و اخلاقی دارد که منجر به «بصیرت اخلاقی» و شکوفایی انسانی می‌شود. در روایات به این مساله اشارات روشنی شده است؛ از جمله می‌فرمایند:

«... ان يصلح امة بعد فسادها»؛ «او این امت را پس از آنکه تباه و فاسد شده اند، اصلاح می‌کند».

و «... يحيى الله عزوجل بالقائم بعد موتها بكفر اهلها»؛ «خداوند زمین را به دست قائم زنده و احیا می‌گرداند؛ بعد از آن که زمین با کفر ساکنانش مرده باشد».

«سلک بکم مناهج الرسول فتداوitem من العمى و الصم و البکم»؛ «شیوه پیامبر خدا را در پیش می‌گیرد و شما را از کوری، کوری و گنگی (بیماری‌های روحی و اخلاقی) نجات می‌دهد» و... .

گفتنی است علت طرح این فرضیه (بایستگی انقلاب هنجاری در

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. سید هاشم بحرانی، المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۱۲.

۳. کلینی، کافی، ج ۸.

عصر ظهور)، وجود فساد و تباهی اخلاقی فراگیر و فزاینده و اضطراب فکری و عقیدتی عمیق در آخر الزمان (پیش از قیام منجی موعود) است که در روایات به آنها اشاره شده است؛ یعنی، بسیاری از انسان‌های ماقبل ظهور، افرادی غیر اخلاقی، دین‌گریز، اهل جور و فساد، از خودبیگانه و دارای زندگی سطحی و فرومایه هستند. این کژتابی‌های اخلاقی و فکری، منجر به شیوع نفاق و الحاد، قساوت و بی‌رحمی، تجاوز و جنایت‌های بی‌رحمانه و ظلم و جور بی‌رویه و... می‌شود. پیامد این همه ناهنجاری و سطحی‌نگری، جنگ‌ها، فقرها، ناامنی‌ها، قتل‌ها، هوس بازی‌ها، بی‌دینی‌ها و... است و راه‌هایی از همه آنها، «انقلاب بزرگ اخلاقی و فکری» است؛ یعنی، تحولات گسترده، سریع و بنیادین در رفتار و بینش مردم. اگر این انقلاب نهنجاری رخ ندهد، بیشتر مشکلات و کاستی‌ها باقی مانده و امور بشر در دست مفسدان، زر سالاران و زورمندان خواهد بود.

### برترین راه

کلید واژه تعلیم و تربیت اسلامی - به خصوص در عصر ظهور- امکان پرورش و شکوفایی کمال‌گرایانه انسان در پرتو رشد جامع فکری و اخلاقی و در نتیجه زدودن ناهنجاری‌ها و ناراستی‌ها فردی و اجتماعی است. این نگره می‌تواند برای همه جوامع و همه اعصار،

کاربردی بوده و تأثیرگذار باشد؛ همان گونه که زمان بعثت نبوی، عصر تعلیم و تربیت نفوس و تزکیه و خرد پروری بوده است. بعد کامل این رویکرد «بصیرت اخلاقی» است که در دوران ظهور منجی موعود علیه السلام جلوه گر و متلاؤ خواهد شد.

اگر انسان از بصیرت اخلاقی و تعلیم و تربیت متعالی و صحیح برخوردار باشد و واقعاً الهی بار آید و در رأس امور قرار گیرد، می تواند جامعه را به سوی کمالات انسانی و الهی سوق دهد و افراد جامعه را از هلاک شدن و فرورفتن در انحرافات اخلاقی و فساد اجتماعی نجات دهد و جامعه ای را به وجود آورد که الگوی بشریت و جوامع دیگر قرار گیرد. این بصیرت اخلاقی (روشن بینی خردورزانه و پرهیزگارانه)، در سایه تربیت اخلاقی (تربیت ایمانی و قدسی) و رشد و شکوفایی خرد انسانی حاصل می شود.

هدف از تربیت اخلاقی، دعوت مردم به اخلاق و فضیلت گرایی و تزکیه نفس از رذایل است. هدف این است که انسان خود را اداره کند؛ تمایلات و هواهای نفسانی را تحت کنترل درآورد و از آنچه غیر منطقی و غیر عقلانی است، دور گردد. در برنامه های تربیتی متعالی، به رشد اخلاقی انسان، سخت توجه شده و در واقع تعلیم و تربیت جزء تربیت اخلاقی شمرده شده و قرآن بر این رسالت خطیر تأکید کرده است. این بدان جهت است که بزرگ ترین دشمن آدمی، نفس او است؛

زیرا این دشمن به مرکز فرماندهی و هدایت انسان؛ یعنی، عقل او دسترسی دارد و با تخریب این مرکز، زندگی جاودانه او را در معرض تباهی و شقاوت قرار می‌دهد و به خسران و زیان همیشگی گرفتار می‌سازد... نخستین گام برای رهایی از این وضعیت، گشودن زنجیرهایی است که دست و پای عقل را بسته و آن را در حصار خود گرفتار آورده است. این فرآیند زنجیرگشایی و مانع زدایی و آزاد سازی عقل، تزکیه نفس نامیده می‌شود و نتیجه آن بصیرت اخلاقی است.

با مراجعه به قرآن و روایات در می‌یابیم که سرچشمه آفت‌ها و رذایل و تمامی گناهان، یکی از امور ذیل است: پیروی از هوای نفس، جهل، دل‌بستگی به دنیا، متابعت از شیطان، کفر و نفاق؛ چنان که می‌فرماید: «از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف می‌شوید».

این عوامل فساد زا و آلوده کننده، همواره باقی است تا اینکه انسان در هر رده سنی و فکری، به تربیت واقعی برسد. از جمله ویژگی‌های انسان، تربیت‌پذیری او است؛ چرا که وی برخلاف سایر موجودات، به دلیل برخوردار بودن از اراده و اختیار، توان آن را دارد که تربیت شود و در واقع اساس بعثت پیامبران تربیت انسان بوده است.

پس باید این قابلیت در انسان وجود داشته باشد تا خداوند انبیا را برای پرورش آن مبعوث فرماید.

طرح و برنامه‌ای که در اسلام برای تعلیم و تربیت و رشد و تکامل انسان ارایه می‌شود، برنامه‌ای است دقیق و جامع و عملی و عینی که آفریدگار جهان برای وی تنظیم کرده است و پیام آوران خدا، مبلغ و مجری آن هستند. راهبردهای اسلام برای انسان سازی و جامعه سازی، رشد توأم فکری و عقلی او در پرتو تعلیم و تربیت واقعی است. این برنامه در میدان عمل و آزمون، قرین موفقیت بوده و انسان‌های بی‌شماری را به کمال و والایی رسانده است و می‌تواند برای بشریت، ره توشه سعادت باشد.<sup>۱</sup> رمز این کامیابی تربیتی و اصلاحی، توجه اسلام به همه ابعاد انسان، به خصوص بعد روحی و عقلی او است. این برنامه از سوی خداوند متعال و به وسیله پیامبر اکرم ﷺ ابلاغ شده و به دست امام زمان علیه السلام به طور کامل تحقق خواهد یافت.

البته نظام تربیتی، با فرض واقع بینانه بودن، هر گاه فاقد برنامه عملی و ضمانت اجرایی باشد، در میدان عمل ناکام خواهد ماند؛ به

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: *ابین خودپروری*، ص ۲۵۲؛ *ابین تزکیه*، ص ۱۰۷ و ۲۵۳؛ *مجله تربیت اسلامی*، شماره‌های ۲ و ۳ و ۴.

ویژه در مسائلی که با عواطف و امیال انسان سر و کار دارد و در نتیجه به کشمکش و تضاد درونی کشیده می‌شود. پشتوانه نظام تربیتی اسلام، ایمان و حبّ خدا و عامل خوف و رجا و عمل صالح است که مؤمن از روی معرفت و عشق به حق و... انجام می‌دهد و در این میان عبادات از نقش مداوم و موثری در تکمیل و تهذیب نفوس برخوردارند. در این نظام واقع بینانه، رشد فکری و عقلی انسان، در کنار تزکیه و تهذیب نفس جایگاه ویژه‌ای دارد.

با توجه به درک بایستگی تعلیم و تربیت فراگیر و چندبعدی انسان و ضرورت تغییر در رفتار و پندارهای او، پرسش اساسی دیگری رخ می‌نماید و آن این است که چه ساز و کارها و مکانیسم‌هایی برای دستیابی انسان به بصیرت اخلاقی و شکوفایی تعلیم و تربیت در عصر ظهور وجود دارد؟! با مراجعه به روایات و منابع دینی به دست می‌آید که برای دستیابی به این رشد و بالندگی معنوی و عقلی، سازوکارها و مکانیسم‌های بیان شده و عصر ظهور، دوران شکوفایی و تعالی انسان در همه زمینه‌ها دانسته شده است. در فصل بعدی این ساز و کارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## فصل دوم:

---

### ساز و کارهای تعلیم و تربیت

---



## پیش درآمد

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت واقعی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است و آن با مکانیسم‌ها و شیوه‌های گوناگونی محقق می‌شود که مهم‌ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفا کردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف نسبت به آموزه‌های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده. در واقع چند مؤلفه مهم اخلاقی - فکری در این نظام قابل شناسایی است.

۱. انقلاب بزرگ فرهنگی و اخلاقی؛

۲. بالابردن سطح دانایی و خرد ورزی انسان؛

۳. ریشه کنی عوامل فساد و تباهی فرد و اجتماع؛

۴. کمک گرفتن از عقل و خرد در جهت شناخت مبدأ و معاد و نیکی‌ها و زشتی‌ها؛
۵. کمک به قدرت انتخاب‌گری مردم در جهت دادن به آنها برای تغییر وضع نابسامان خود؛
۶. رشد توأم فکری و اخلاقی انسان (تزکیه و تعلیم مردم)؛
۷. مهذب کردن اخلاق مردم و آشنا ساختن آنان با فضایل انسانی و ...

روشن است برای نجات انسان‌ها از گرداب ضلالت و جهالت و اصلاح جوامع و کاستن از مشکلات عدیده، باید سازوکارها و شیوه‌های مختلفی به کار گرفته شود و از ابزار و امکانات مناسبی استفاده گردد. در عصر ظهور از همه امکانات و مکانیسم‌های ممکن برای به‌سازی اخلاق و پاک‌زیستی انسان و ایجاد محیط سالم و متعالی بهره گرفته خواهد شد و این در پرتو عنایات الهی و شخصیت، قدرت و درایت ویژه امام مهدی علیه السلام ممکن خواهد بود. در این قسمت سازوکارها و مکانیسم‌های برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می‌شود:

### ۱. شکوفاسازی عقل فردی و جمعی

مهم‌ترین مکانیسم رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری

است؛ یعنی، توجه ویژه دین به شکوفا کردن عقل و خرد آدمی و بالا بردن سطح دانایی و روشن بینی او. پس نخستین و اساسی‌ترین مکانیسم، شکوفایی بعد فکری و عقلی انسان‌ها است.

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفا سازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت تمامی ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

اسلام، به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و بازپروری قوه استدلال می‌داند. فلاسفه و متکلمان شیعی - از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، فارابی، بو علی سینا و ... - بر این باورند که عقل آدمی، توان شناسایی حسن و قبح افعال را داراست و عقلی دانستن حسن و قبح را نیز به این معنا می‌دانند که عقل آدمی، می‌تواند در ابتدا به حسن و قبح عملی پی ببرد.

محتوای برخی از روایات، این است که اساساً زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می‌دارد و او را به پاکی‌گزینی و روشن‌بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می‌کند. به عبارت دیگر عقل همانند پیامبر بیرونی است که انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت باز

می‌دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«العاقل من تورع عن الذنوب و تنزه من العیوب»؛ «خردمند کسی است که خود را از گناهان بر حذر داشته، خود را از عیوب پاک سازد.»

و نیز:

«العاقل من قمع هواه بعقله»؛ «خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد.»

با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عقل عبارت است از: نیروی تشخیص و ادراک حق و باطل در «قلمرو نظر» و خیر و شر در «قلمرو عمل» از یک سو و بازدارنده از اعمال گناه، و هدایت‌کننده به اعمال صالحه از سوی دیگر.

پس برای برخورداری از روحيات متعالی و اخلاقی، در درجه اول باید به پرورش خرد و عقل پرداخت. طبیعی است وقتی علت، پرورده باشد، معلول نیز قوی‌تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دعامة الانسان العقل و العقل منه الفطنة و الفهم الحفظ و العلم»؛ «ستون وجودی انسان، عقل است و هوشمندی و

فهم و حفظ و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرند.<sup>۱</sup>

وصول به کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد و عقل امکان پذیر است و هر مقدار عقل دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد اخلاقی ممتنع خواهد بود. رسول خدا در روایتی می‌فرماید:

«انما یدرک الخیر کله بالعقل»؛ «همانا همه نیکی‌ها و کمالات در پرتو عقل عاید انسان می‌گردد».

البته آنچه در امر تربیت عقلانی از اهمیت برخوردار است، بذل توجه به پرورش عقل الهی است؛ چرا که انسان سعادت‌مند در مکتب اسلام، کسی است که علاوه بر تربیت یافتن در عقل معاش، عقل معاد نیز در وی رشد یابد. به نظر مرحوم نراقی، عقل برترین قوه وجود آدمی است و با پیروی از آن است که دیگر قوا تعدیل شده و به فضایل مربوط دست می‌یابند.<sup>۲</sup>

البته در عین حال که بر عقل تأکید فراوان شده، به تزکیه درون و تحولات درونی نیز توجه گشته است؛ یعنی در امر تربیت اخلاقی، باید به تحوّل و پاکی درونی نیز توجه داشت. قرآن هر گاه از هدایت بشر صحبت می‌کند؛ این هدایت، بیشتر هدایت درونی، قلبی و

۱. مبانی اخلاق اسلامی، ص ۱۲۵.

۲. علم اخلاق اسلامی، ص ۹۶.

شهودی (الهامی و ایجابی) است. برای مثال در جایی می‌فرماید:

«و یزید الله الذین اهتدوا هدی»؛<sup>۱</sup> «خداوند هدایت آنهایی را که هدایت یافته اند، افزون خواهد نمود».

این شهود از منظر اسلام، به معنای تحولی درونی و باطنی است که فرد را به یک منشأ متعالی (خداوند) وصل می‌کند و آدمی را واجد دریافت الهامات و مکاشفات دینی و مذهبی می‌نماید.

در روایت بسیار قابل توجهی، به این بعد از کمال فکری و عقلی بشر - که در عصر ظهور در حد بالایی خواهد بود - اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم»؛<sup>۲</sup> «وقتی قائم قیام کند، دست (عنایتش) را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد شده و فهمشان بالا می‌رود (کامل می‌گردد)».

علامه مجلسی در *مرآة العقول* درباره این روایت می‌گوید:

«ضمیر در «یده» یا به خداوند بر می‌گردد و یا به قائم و در هر دو حال این سخن کنایه از بخشندگی و مهربانی، یا قدرت و تسلط می‌باشد و این دومی احتمالش بیشتر است».

۱. مریم (۱۹)، آیه ۷۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱.

به نظر می‌رسد این جمله، کنایه از تربیت امت اسلامی توسط امام قائم علیه السلام می‌باشد و تعبیر از «رؤوس» (سرها)، به آن دلیل است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می‌دانند و دست بر سر نهادن کنایه از اقناع و تربیت است و فرقی نمی‌کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی علیه السلام؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می‌باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب تربیت - که عبارت از گرد آمدن عقل‌ها و تکامل اندیشه‌ها است - به بار می‌نشیند.<sup>۱</sup>

منظور از گرد هم آمدن عقل‌ها، توافق بر عقیده‌ای واحد و برنامه قانون واحد می‌باشد. آن طور که به سختی می‌توان، تصور کرد بین دو نفر که در تفکر کلی دولت جهانی مهدوی ذوب شده‌اند، اختلافی درگیرد، به ویژه زمانی که امت و بشریت به درجه‌ای از کمال برسند که افکار عمومی آنها «معصوم» گردد و همنوایی و اتفاق در کارها بسیار آسان شود. مراد از تکامل اندیشه‌ها (کملت به احلامهم)، رشد یافتگی هر چه بیشتر انسان‌ها است. این تعبیر به جنبه خیرخواهانه انسان باز می‌گردد؛ همان جنبه‌ای که نخستین مرحله آن عدالت

۱. ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۶۰.

فردی و بالاترین مرحله‌اش «عصمت» است که جامعه بشری سرانجام به آن خواهد رسید.

این نتیجه در هر دو جنبه علمی و روانی، موجب پدید آمدن بینش و بیداری در دولت و جامعه مهدوی می‌شود؛ همان بینشی که در ژرفای آن، جز برای کسانی که در آن عصر زندگی می‌کنند، ممکن نیست و ما نیز تنها عناوین کلی آن را می‌شناسیم.

پس دست نهادن بر سر بندگان خدا، به معنای تربیت و اعتلای اندیشه‌ها و افکار و عواطف انسان‌ها است که اگر همراه با رشد اخلاقی و تزکیه و تربیت صحیح باشد در انسان «بصیرت اخلاقی» ایجاد می‌کند و او را به سرمنزل مقصود رهنمون می‌سازد.

پرورش خرد و اندیشه آدمی (تربیت عقلانی) و بالابردن سطح دانایی و بصیرت او، مکانیسمی تأثیرگذار و با ارزش در رشد و شکوفایی معنوی او است که بر اساس روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.



## ۲. فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت‌های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی‌های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان‌ها به عمق و زشتی مفسد اخلاقی و کژتابی‌های فکری و عملی پی می‌برند و از آلودگی‌ها بی‌زار می‌گردند و این تنها در سایه ترویج و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می‌یابد و ماهیت امور فرهنگی می‌شود.

در روایتی می‌فرماید:

«یدعوا الناس الی کتاب الله و سنة نبیه...»؛ «مهدی علیه السلام مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و... دعوت می‌کند».

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ج ۴۹.

و نیز:

«یظهر علی الثقلین و لایترک فی الارض الادنین»<sup>۱</sup>؛ «بر ثقلین (انس و جنس) پیروز می شود و ریشه پستی و انحراف را از روی زمین بر می دارد».

این فرهنگ سازی جامع، همان اصلاح گری اخلاقی و الهی است که جامعه و انسان ها را از فساد و انحطاط فرهنگی به دور می سازد:

«ان یصلح امة بعد فسادها»<sup>۲</sup>؛ «مهدی علیه السلام مردم را بعد از تباهی شان اصلاح می کند».

### ۳. نفوذ معنوی (مکانیسم ولایت تکوینی)

این نفوذ و اثرگذاری ژرف و درونی، بر اساس ولایت هدایت و پرورش معنوی امام معصوم علیه السلام صورت می گیرد. هدایت معنوی و ارتقا و پرورش فرد و جامعه، بر عهده پیامبران و امامان است (جعلناهم ائمة یهدون بأمرنا) و مستلزم اختیارات ویژه و قدرت نفوذ درونی و سلطه و ولایتی خاص است که بوسیله آن، احیای دل های مرده و زنگار گرفته و ارتقای ارواح و پرورش قلوب و هدایت معنوی انسان ها، برای امام میسر می گردد.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۵، ح ۵۵.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳.

در شرایط سختی که موانع و مشکلات فراوانی فراروی مصلحان الهی قرار دارد، ناگزیر حکمت الهی ایجاب می‌کند که امام از قدرت ویژه‌ای برخوردار باشد تا بتواند علی‌رغم ظلمات، موانع و حجاب‌ها، از یک سو در عمق جان‌های مرده و وجدان‌های خفته و فطرت‌های زنگار گرفته نفوذ کند و در آنها تصرف نموده و تحول ایجاد کند و از سوی دیگر در وجدان و تفکر عمومی جامعه، روح و حیات جدید بدمد و فرد و جامعه را در سیر تکاملی قرار دهد.<sup>۱</sup>

آن گونه که عیسی عمل می‌کرد و پیامبر اسلام ﷺ در ساختن یاران و بسیج دل‌ها و ارواح و احیای جامعه اسلامی صدر اسلام و نیز امیر مؤمنان علیه السلام در تربیت نخبگان و خواص اصحابش و ایجاد شخصیت‌های استثنایی برای تحولات بنیادین جامعه و تاریخ و... به کار می‌گرفتند. نمونه‌های شگفت‌انگیز این نوع تصرف و نفوذ در دل‌ها و ارواح، در زندگی امامان معصوم - به خصوص امام حسین علیه السلام - فراوان دیده می‌شود و در عصر ظهور و به دست امام زمان علیه السلام به اوج خود می‌رسد. این برترین مکانیسم تغییر و تحول درونی و در راستای رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها است؛ چنان که روایت امام باقر علیه السلام به صراحت آن را تأیید می‌کند:

۱. ر. ک: عمید زنجانی، *فقه سیاسی*، ج ۲، ص ۳۲۸.

«اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم»<sup>۱</sup>؛ «چون قائم ما قیام می کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را کامل می کند».

در روایت دیگری آمده است:

«وضع يده على رؤوس العباد و فلا يبقى مؤمن الا صار قلبه اشد من زبر الحديد...»<sup>۲</sup>؛ «... و دستش را بر سر بندگان خدا می نهد و دل هر مؤمنی از پاره های آهن محکم تر می شود...».

البته همه این تغییرات با اراده و نظر خاص الهی همراه است و حتی در بعضی از روایات، عنایت ویژه الهی در بعضی از امور مطرح شده است:

«... يمسح الله بطونهم و ظهورهم فلا يشتمه به عليهم حكم»<sup>۳</sup>؛ «... خداوند با دست قدرت خود بر شکم و پشت آنها (گروه همراه قائم) می کشد؛ دیگر هیچ حکمی بر آنها دشوار نمی نماید».

۱. ر. ک: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱، ح ۷۱.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۰، صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۳. طبری، دلائل الامامة، ص ۳۰۹ و نیز ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

#### ۴. پالایش نفوس (تطهیر و تزکیه ناپاکی‌های درونی)

پالایش درون در قرآن، با عنوان «تزکیه» و «تزگی» مطرح شده است. این دو از نظر لغوی به معنای پاک نمودن و یا پاک شدن از آنچه که باید از آن پاک شد و از نظر اصطلاحی، پاکیزه ساختن نفس از شرور و آلودگی‌ها است. بزرگ‌ترین هدف پیامبران، تهذیب و تزکیه نفوس انسانی بوده است. آنان آمدند تا نفوس انسان‌ها را از رذایل و اخلاق زشت و صفات حیوانیت پاک و منزّه سازند و فضایل و مکارم اخلاقی را پرورش دهند. آنان آمدند تا به انسان‌ها درس خودسازی بیاموزند و در طریق شناخت اخلاق زشت و کنترل و مهار امیال و خواسته‌های مخرب نفسانی، یار و مددکارشان باشند و با تحذیر و تخویف، نفوسشان را از بدی‌ها و زشتی‌ها پاک و منزّه سازند. در اسلام تحذیرها و کیفرهایی که برای اخلاق زشت بیان شده، از سایر اعمال کمتر نیست. پالایش نفوس؛ یعنی، سوق دادن انسان‌ها به خودسازی، کسب فضایل اخلاقی، ریشه کنی گناهان و قرار دادن در میدان جهاد اکبر و ریاضت‌های شرعی و پاکسازی قلب از خودخواهی، هوس بازی، قساوت و معصیت.

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و تطهیر نفوس است؛ هم با برنامه‌های پیامبرانه امام زمان و هم با آگاهاندن و سوق دادن مردم به

آن. در روایتی طهارت انسان‌ها در آن دوران چنین مطرح شده است:  
 «و فی ایام دولته تطیب الدنیا و اهلها»<sup>۱</sup>؛ «در دوران حکومت  
 او، دنیا پاکیزه شده و اهل دنیا (مردم) ظاهر و نیک  
 می‌کردند».

و نیز:

«لذهبت الشحناء من قلوب العباد...»<sup>۲</sup>؛ «کینه‌ها و دشمنی‌ها از  
 دل مردم بیرون می‌رود...».  
 «یفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاً»<sup>۳</sup>؛ «قلعه‌های گمراهی و  
 دل‌های غفلت گرفته را، باز می‌کند».

روایت اصلاح امت بعد از فسادشان (ان يصلح امة بعد فسادها)، نیز  
 می‌تواند به همین پالایش انسان‌ها از فساد اشاره داشته باشد.

##### ۵. مانع زدایی و تغییر ساختارهای معیوب و ویرانگر فرهنگی

خودکامگی، فسادگری، هواپرستی، غفلت، استکبار، شیطننت  
 و... موانع و سدهای بزرگی در راه رشد و تعالی انسان‌ها است و تا  
 این موانع وجود داشته باشد، امکان رشد و بالندگی معنوی برای

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة. ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۶.

۳. سلیمان قندوزی، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۵۸۸.

انسان‌ها فراهم نیست. موانع رشد و تعالی انسان‌ها در چند بعد قابل شناسایی است:

**الف: بعد فرا انسانی؛** مهم‌ترین پاسخ برای شکوفایی انسان و رسیدن او به قرب و بندگی خداوند متعال، شیطان و اعوان و انصار او در گمراه‌گری، اغواگری و افسادگری است. تا این منشأ اصلی آلودگی از بین نرود، بسیاری از جنایت‌ها، خیانت‌ها، حق‌کشی‌ها و معصیت‌ها و عبودیت‌های غیر الهی باقی خواهد ماند و با دفع او، وسوسه‌گری‌هایش نیز از بین خواهد رفت و این تنها در عصر ظهور و به دست حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود:

«دولة ابليس الى يوم القيامة و هو يوم قيام القائم»؛  
«حکومت (و سلطه) ابليس تا روز قیامت است و آن، روز قیام قائم ما است».

وهب بن جمیل می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: «انک من المنتظرین الى يوم الوقت المعلوم»، این وقت معلوم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

«خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی [قائم قیام می‌کند]، به مسجد کوفه می‌رود. در آن هنگام

شیطان - در حالی که با زانوان خود راه می‌رود - به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز! پس حضرت مهدی علیه السلام پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد.<sup>۱</sup>

ب. بعد ساختاری؛ بسیاری از ساختارها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی نه تنها برنامه‌های بایسته و شایسته هنجاری و تربیتی ندارد؛ بلکه یا به طور ناقص و معیوب یک سری آداب و رسوم خشک را ترویج می‌کنند یا اینکه ایده‌های ناسالم و رویکردی شالوده شکن فرهنگی دارند و یا خود کانون فساد و تباهی اخلاقی هستند.

با حذف و تغییر این ساختارهای ضد فرهنگی و نهادهای مشکل‌زا و اصلاح برنامه‌ها و رویکردهای فرهنگی و نابودی کانون‌های فساد، می‌توان امیدوار به حل بعضی از کاستی‌های جوامع بود، همان گونه که در دوران ظهور چنین خواهد شد. روایات در این باره می‌گویند:

«لِيعْزِلَنَّ عَنْكُمْ اَمْرَاءَ الْجُورِ وَ لِيَطْهَرَنَّ الْاَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشِيٍّ»<sup>۲</sup>  
 «حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر نیرنگ بازی پاک می‌سازد».

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.



«یفتح مدائن الشوک»؛<sup>۱</sup> «کانون‌های شرک را می‌گشاید».  
 «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛<sup>۲</sup> «زمانی که قائم قیام کند،  
 دولت باطل و فاسد از میان می‌رود».

ج. بعد انسانی؛ پاره‌ای از آلودگی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه، ناشی از فعالیت افسادگران و شیاطین انسی است؛ اشرار و ملحدانی که تمام همت خود را مصروف ستیزه با دین، هنجار زدایی، باطل‌گرایی، ترویج فساد و فحشا، دنیاگرایی، منفعت‌گرایی خشونت‌آمیز و... دارند و کانون‌ها و رسانه‌های وابسته به آنها نیز، مرکز اشاعه منکرات و ولابالی‌گری هستند. با حذف یا اصلاح این طراحان فساد و تباه‌گران، جوامع رو به اصلاح و پاکی خواهند رفت؛ امری که به یقین در عصر ظهور اتفاق می‌افتد:

«... تهلك الاشرار و تبقى الاخيار»؛<sup>۳</sup> «اشرار و بدان نابود می‌شوند و نیکان و اخیار باقی می‌مانند».  
 و «یبیر به کل جبار عنید و یهک علی یده کل شیطان مرید»؛<sup>۴</sup>  
 «به دست او هر جبار عنودی نابود می‌شود و هر شیطان سرکشی هلاک می‌گردد».

۱. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. همان، ص ۴۹۸.

۳. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ج ۴.

۴. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸، ج ۶.

## ۶. ارتقای نهادی (شکوفایی فطرت انسانی)

همه انسان‌ها، بر سرشت پاک و فطرت الهی به دنیا می‌آیند و هر چند دارای غرایز و نیروهای بهیمی هستند، اما ملکات انسانی و نیروهای قدسی آنان قوی‌تر و ماندگارتر است. اگر انسان تحت تربیت صحیح قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطننت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده‌ای دارد. پس باقی ماندن بر فطرت پاک یا بازگشت به این سرشت و سیرت الهی، بایسته‌ترین راه برای رسیدن انسان به کمال و تعالی واقعی، رشد روز افزون و شکوفایی واقعیت‌های انسانی است. این اصل مسلم، رکن پایدار اندیشه مهدویت و از مکانیسم‌های مهم تربیتی، برای خارج کردن انسان از حالت بهیمی و مادی محض، به اوج «طهارت» و «قدوسیت» است:

«... حتی یكون الناس على مثل امرهم الاوّل لا یوقظ نائماً و لا تهرق دماً»؛ «مردم به فطرت خویش باز می‌گردند، نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کنند».

آنچه در «ارتقای نهادی مهم است»، خروج انسان از زندگی

سطحی، نازل و فرومایه و فعال سازی استعدادهای درونی او است.

### ۶. هنجار پذیر کردن انسان (اخلاقی کردن رفتارها)

هنجار پذیری، فرآیندی است که منجر به انتقال آموزه‌های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد می‌شود. در این فرآیند (همچون جامعه‌پذیری)، ارزش‌های اخلاقی تبیین و تشریح می‌گردند و ضمن آگاه کردن انسان‌ها از آنها، زمینه‌های علاقه قلبی آنان و کشش درونی به آنها را فراهم می‌سازند. مهم‌ترین ویژگی هنجارپذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش برای گسترش و حاکمیت این اصول است؛ یعنی، مزین شدن به آرایه‌های ارزشی و پایبندی معرفت‌مداران به آنها. مهم‌ترین برنامه امام مهدی علیه السلام حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه است:

«یشیر بالتقی و يعمل بالهدی...»<sup>۱</sup>؛ «تقوا و پرهیزگاری را مطرح می‌کند و بر اساس هدایت‌گری رفتار می‌کند.»  
 «دعاهم الی حقه و ان یسیر فہیم بسیرة رسول اللہ و یعمل فہم بعملہ»<sup>۲</sup>؛ «... او مردم را به حق (راه حق) فرا می‌خواند

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲.

و به سیره پیامبر ﷺ در میان مردم رفتار کرده و عمل او را  
مبنا قرار می‌دهد.

## ۸. کنترل و نظارت جامع

برای اینکه بتوان رفتار و پندار انسان‌ها را دگرگون کرد و آنها را  
در مسیر اصلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه‌ای پایدار و  
اثرگذار برای او ارایه نمود و در ضمن آن، نظارت جامع و کاملی بر  
رفتارها و هنجار شکنی‌های وی داشت. علاوه بر این باید بر حسن  
اجرای برنامه‌های تربیتی و اصلاحی، مراقبت جدی داشت و در  
صورت ضرورت، از مکانیسم «انذار و تخویف» و «تنبیه» استفاده کرد.  
همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه‌های مختلف)، جدیت  
به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد.

در صورتی که برنامه‌های فرهنگی، تحت انضباط و و نظم دینی  
قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت جامع برای  
هدایت و رهنمونی انسان‌ها به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار  
شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه‌ای فراگیر  
صورت خواهد گرفت:

«ینصب له عمود من نور فی الارض الی السماء یری فیه

اعمال العباد»<sup>۱</sup>؛ «برای امام مهدی علیه السلام عمودی از نور از زمین تا آسمان، نصب می‌شود که اعمال بندگان را در آن می‌بیند. هنگامی که امور به صاحب امر علیه السلام منتهی می‌شود، خداوند همه نقاط پست زمین را برای او پر می‌کند و همه نقاط مرتفع جهان را برای او هموار می‌سازد تا همه کره خاکی، همچون کف دست او، در افق دید وی قرار گیرد (رفع الله تعالی له کل منخفض...<sup>۲</sup>). اگر یکی از شما، مویی در کف دست داشته باشد، مگر ممکن است از دیدن آن ناتوان باشید»<sup>۳</sup>.

این نظارت جامع و فراگیر منجر به اجرای واقعی و دقیق حدود الهی بر روی زمین می‌شود:

«لا يعصى الله عزوجل في ارضه و يقام حدود الله في خلقه»<sup>۴</sup>؛  
 «خداوند در زمین معصیت نشود و حدود الهی میان مردم اجرا گردد».

«... لا يقرع احد في ولايته بسوط الا في حد...»<sup>۵</sup>؛ «در دوران ولایت او جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی مورد ضرب قرار نمی‌گیرد».

۱. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۷؛ الزام الناصب، ص ۶

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸

۳. همن، ص ۶۴۳

۴. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۰۳

## ۹. درمان بیماری‌های روحی

همان گونه که اشاره شد، منشأ تمام اعمال، حرکات، گفتارها و خوبی‌ها و بدی‌های انسان، «نفس» است. اگر نفس اصلاح شد، دنیا و آخرت انسان تأمین و آباد می‌شود و اگر به فساد کشیده شد، منشأ بدی‌ها بوده و اجتماع را از نظم معنوی و سامان بهینه دور می‌کند.

آفت‌ها و عیوب روحی و معنوی (شرور)، دارای اقسامی است:

الف. آفت‌ها و عیوب اعتقادی؛ مانند: کفر، نفاق، شرک، شک،

جهل، ریا و... .

ب. آفت‌ها و عیوب عاطفی؛ مانند: یأس، سستی، بی‌حالی، غرور،

فریفتگی، فخر، حسرت و... .

ج. آفت‌ها و عیوب رفتاری؛ مانند: دروغ، غیبت، تهمت، تجسس،

استهزا و... .

هر فتنه، فساد، خیانت و جنایتی، از هر کسی دیده می‌شود،

سببش یک نوع بیماری روانی است که او را وادار به کردار غیر انسانی

نموده است. انواع تبه کاری‌ها، خونریزی‌ها، دزدی‌ها، بی‌بند و باری‌ها

و انحراف‌های جنسی، آلودگی‌ها به انواع فحشا، اعتیاد به الکل و مواد

مخدر، بر هم خوردن اساس خانواده‌ها و جدایی‌ها، قساوت‌ها و

۱. ر.ک: آسیب‌شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۷.

خشونت‌ها، خودکشی‌ها و... همگی در اثر ناسالمی روان و کمبود انسانیت است. پس باید درباره بهداشت روانی بشر، کاری کرد. همان‌طور که انسان در بیماری‌های جسمی، محتاج درمان است، در دفع امراض روحی نیز به معالجه و رجوع به اخلاق محتاج‌تر است؛ چه اینکه بیماری روح انسان را از رسیدن به لذت ابدی و سعادت سرمدی باز می‌دارد.

حضرت علی علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«... طبیب دوار بطنه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه من قلوب عمی و اذان صم و السنة بکم، متبع بدوانه مواضع الغفلة و مواطن الحیرة»؛ «او طبیبی است دوار (سیار) که با طب خویش همواره به گردش می‌پردازد. مرهم هایش را به خوبی آماده ساخته، حتی برای مواقع اضطرار و داغ کردن محل زخم‌ها، ابزارش را گذاخته است... برای قلب‌های نابینا، گوش‌های ناشنوا (از حق) و زبان‌های گنگ با داروی خود در جست و جوی بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

این درست همان کاری است که مصلح کل بشر انجام خواهد داد:

«سلک بکم مناهج الرسول فتداوینم من العمی و الصم و

البکم»<sup>۱</sup>؛ «شیوه پیامبر خدا را در پیش می‌گیرد و شما را از کوری، کری و گنگی (بیماری‌های روحی) نجات می‌دهد».

و نیز:

«یفتح... قلوباً غفلاً»؛ «دل‌های بسته (قساوت گرفته) را می‌گشاید».

#### ۱۰. نهادینه کردن آموزه‌های بنیانی

بر اساس این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی‌اش استوار و فخیم گردد؛ یعنی، تا انسان شناخت درست و باور عمیقی نسبت به مبانی اعتقادی خود (به خصوص توحید)، نداشته باشد و آنها را با دل و جان نپذیرد، کمتر هنجار پذیر شده و به سمت کمالات واقعی خود حرکت می‌کند. پس رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیاء) و راهبران طریق (امامان) است. همان گونه که مهم‌ترین برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با تغییر در باورهای اعراب

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۶۶

۲. قندوزی، منابع الموده، ج ۲، ص ۵۸۸



جاهلی. در عصر ظهور نیز تقویت و بنیان‌های فکری و اعتقادی مورد توجه خاصی خواهد بود:

«یدعو الناس الی کتاب الله و سنة نبیه و الولاية لعلی بن ابیطالب و البراءة من عدوه»<sup>۱</sup>؛ «مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر، ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنان او دعوت می‌کند».

«لا ینقی فی الارض الانودی فیها شهادة لا اله الا الله»<sup>۲</sup>؛ «هنگامی که او قیام می‌کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آنکه گلبانگ توحید در آن بلند گردد».

## ۱۱. تعلیم حکمت قدسی

«حکمت» عبارت است از: معرفت لازم برای شناخت و دریافت اصول و قواعد کمال در عرصه دنیا و سرای ابدیت و به کار بستن آنها در مسیر حیات معقول.<sup>۳</sup> آیات قرآنی، حیات با حکمت را (که هدف از بعثت پیامبران تبلیغ آن بوده است)، از آن خدا و حیات طیبه تعبیر نموده است؛ بلکه آن را حیات حقیقی نامیده است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۴۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. عرفان اسلامی، ص ۱۴۹.

طَيِّبَةً»؛ «هرکس، از مرد یا زن، کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک، زنده خواهیم داشت».

نیروی علم، خیر و صلاحش در این است که به آسانی میان گفتار دروغ و راست، عقاید حق و باطل و کارهای زشت و زیبا فرق بگذارد و چون این نیرو به دست آمد، ثمرهٔ حکمت از آن حاصل می‌شود که سرچشمهٔ اخلاق نیکو است و همان است که خدا درباره‌اش فرموده است: «و من یؤت الحکمة، فقد اوتی خیراً کثیراً»؛ «به هر کسی حکمت داده شده، خیر فراوانی به او اعطا گشته است».

نیروی خشم حسنش نیز در این است که انقباض و انبساطش به اندازه‌ای محدود شود که حکمت اقتضا دارد. همچنین شهوت، خیر و صلاحش در این است که به فرمان حکمت (عقل و دین) باشد و...<sup>۱</sup> در این رویکرد می‌بینیم که حکمت جایگاه ویژه‌ای در رشد فکری و اخلاقی انسان دارد و نوری الهی است که بر دل مردان الهی متجلی می‌شود و منجر به بصیرت می‌گردد (درجهٔ بالای حکمت، بصیرت است).

بدین جهت «تعلیم حکمت قدسی» بارزترین ویژگی عصر ظهور

۱. نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۲. ر. ک: المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۳۶.

است تا مردم در پرتو آن، پاک‌گزین و خیرگرا شوند و از نیروی دانش و خرد، در جهت نورانیت و معنویت درون استفاده کنند.  
در روایات آمده است:

«تؤتون الحکمة فی زمانه...»<sup>۱</sup>؛ «در زمان ظهور، به مردم حکمت عطا می‌شود».

و «یملأ الله عزوجل به الارض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها»<sup>۲</sup>؛ «خدای عزوجل به وسیله او، زمین را پس از تاریکی آن از نور آکنده می‌سازد و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالا مال می‌کند».

این حکمت آموزی باعث درمان و ریشه کنی جهالت و نادانی و فزونی علم و دانایی می‌شود:

«او مانند پیامبر ﷺ نشانه‌های جاهلیت را از بین می‌برد (کما هدم رسول الله امر الجاهلیة)»<sup>۳</sup>.

به راستی «جهل» سرچشمه و منشأ بسیاری از آفت‌ها و رذایل است؛ زیرا بدون معرفت و دانایی، نخستین شرط سلامت عمل، محقق نمی‌شود و آفت‌ها و رذایل اخلاقی از جهالت و نادانی سرریز

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۹، ح ۳۰.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۵.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۰، ح ۱۳.

می‌گردد. امری که در عصر ظهور، معکوس شده، شکل درست و طبیعی خود را پیدا می‌کند (جهالت‌ها از بین می‌رود).

## ۱۲. بازسازی هویت و منزلت اصیل

انسان، دارای منزلت و مقامی والا و ستودنی است؛ منزلتی بس عظیم و شکوهمند که متأسفانه با کمترین کژتابی و اعوجاج اخلاقی و نفسانی، از آن فرو می‌افتد و هویتش را گم می‌کند. در دایره هستی، انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. این دایره از انسان و با انسان آغاز شده و با انسان، به انسان باز می‌گردد. شیخ اشراق می‌نویسد:

انسان موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناپذیر است. او از عالم علوی به این عالم سفلی سفر کرده و به زندان گرفتار آمده است. او موجود برگزیده خداوند است و لباس کرامت الهی را بر تن دارد. او در دوران حیات باید کرامت خویش را ارج نهد و پاس بدارد و از هر چه به این کرامت لطمه می‌زند، بگریزد. صداقت، عدالت، ایثار و مانند آن باعث بقا و ارتقای این کرامت است و دنیا طلبی، خود بینی، ذلت و اسارت در چنگال غضب و شهوت، موجب زوال این کرامت است.<sup>۱</sup>

۱. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۲۷۰، ج ۳، ص ۴۰۴.

کرامت و عزت نفس، نقطه‌ای است که اسلام، برای احیای اخلاق انسانی و سوق دادن انسان به سوی رشد و تعالی، بر آن تأکید کرده است. کرامت نفس، پایه و محور همه تعلیمات اخلاقی است؛ یعنی، محترم شمردن نفس برای دوری از گناهان و مفساد؛ چنان که مولا علی علیه السلام می‌گوید:

«آن که در خود احساس کرامت و بزرگواری کند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان می‌گردد».<sup>۱</sup>

پس اگر انسان بتواند عزت نفس و کرامت خود را حفظ کند، هم می‌تواند به آن مقام و منزلت واقعی دست یابد و هم هویت و ماهیت اصیل خود را بیابد. این امر در عصر ظهور، محقق شده و انسان کرامت یافته، به اوج منزلت خود می‌رسد:

«تعظم الامة و يعزهم»<sup>۲</sup>؛ «مردم بزرگ داشته شده، و عزت می‌یابند» و «يخرج الذل من اعناقكم»<sup>۳</sup>؛ «خداوند به وسیله او، ذلت را از گردن‌های شما بر می‌دارد».

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۰.

۳. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۶.

### ۱۳. تطهیر و تنویر فضای زیست

انسان در محیطی زندگی می‌کند که هم بعد مادی دارد و هم جنبه فرامادی و ملکوتی. آنچه که او با دیده ظاهر بین مشاهده می‌کند، زندگی فرو بسته دنیایی است؛ با آرایش‌ها و آرایش‌های متعدد و آنچه که او را از حقیقت وجودی‌اش و آن فضای معنوی و ملکوتی دور می‌سازد (و در فضای آلوده و ظلمانی قرار می‌دهد)، توجه وافر به مادیات، نفسانیات و وهمیات است. در واقع جامعه آلوده، جامعه‌ای است آکنده از امواج منفی و ویرانگر، افکار و اندیشه‌های آلوده و کشنده، رویکردهای شهوانی و حیوانی، انواع تحریکات و فریبایی‌های جنسی و... در واقع انسان - به خصوص در عصر حاضر - در فضای ظلمانی و زهرآگین زندگی می‌کند که بر روح و روان و فکر او اثر منفی و مخربی می‌گذارد (مستقیم و یا غیر مستقیم).

برای رهایی ذهن و روان انسان‌ها از این سموم روحی و مغناطیس‌های ضد فرهنگی، باید فضا را پاک کرد و آنان را در یک محیط امن فرهنگی و جامعه نورانی قرار داد. در این صورت است که انسان می‌تواند در یک محیط سالم (هم در ظاهر و هم در باطن)، به پرورش و شکوفایی خود پردازد و جامعه پاک اخلاقی داشته باشد. روایات تصویر بسیار زیبایی از این طهارت و پاکی محیط و نورانیت

جهان در عصر ظهور ارائه می‌دهند:

«يَمَلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وُقِسْطًا وُ نُوْرًا وُ بَرَهَانًا...»<sup>۱</sup>؛ «زمین را از

عدل و داد و نور و برهان آکنده می‌سازد».

«اِذَا قَامَ اشْرَقَتْ الْاَرْضُ بِنُوْرِ رَبِّهَا...»<sup>۲</sup>؛ «وقتی که قیام

می‌کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان به

نور خورشید نیازی نخواهند داشت».

«تَطْيِبُ الدُّنْيَا وُ اَهْلِهَا فِي اَيَّامِ دَوْلَتِهِ»<sup>۳</sup>؛ «در روزگار او، دنیا

پاکیزه می‌شود و اهل آن نیک و (طاهر) می‌گردند».

«يَطْهَرُ اللهُ بِهَ الْاَرْضَ»<sup>۴</sup>؛ «خداوند به وسیله مهدی علیه السلام زمین را

طاهر و پاک می‌گرداند».

#### ۱۴. برپاداشت سیاست فاضله

«امامت» در اعتقاد شیعه، پیشوایی، زعامت و ولایت چند بعدی شخص معصوم است که از سوی خداوند، به این مقام منصوب شده است. این یک مقام والای معنوی و دینی است که علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه را در امر دین و دنیا بر عهده دارد. در واقع سیاست و حکومت داری، می‌تواند سه گونه باشد:

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۸.

۳. اربلی، کشف الغمه، ج ۴، ص ۴۹۳.

۴. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

سیاست الهی، سیاست شیطانی، سیاست صوری (روز مره). سیاست شیطانی، بیشتر برنامه‌ها و خط مشی‌ها را در جهت از خودبیگانگی و جهالت انسان‌ها و غرق کردن آنها در تباهی، فساد و خوش گذرانی و غفلت قرار می‌دهد و منشأ بسیاری از جنایت‌ها و رذالت‌ها و جنگ‌ها است. سیاست صوری، برنامه‌های عادی و معیشتی حکومت‌ها است که به شکل‌های مختلف، بیشتر در صدد اداره امور روز مره بشر و تکیه بر جنبه‌های مادی و ظاهری زندگی است و نه تنها کاری با رشد و بالندگی معنوی مردم ندارد؛ بلکه گاهی منشأ ناراستی‌های اخلاقی نیز می‌باشد. سیاست الهی، همان سیاست فاضله است که علاوه بر توجه به امور معیشتی و دنیوی و ارائه راه‌کارهای مناسب جهت ایجاد تعادل و پیشرفت در این زمینه‌ها، بیشتر به ابعاد معنوی و روحی انسان‌ها نظر دارد و به هدایت، تربیت و رشد همه جانبه و سعادت واقعی آنان همت می‌گمارد. این سیاست فاضله، همان امامت است که به قول خواجه نصیر الدین طوسی، «غرض از آن تکمیل خلق بود و لازمش نیل سعادت»<sup>۱</sup>.

بر این اساس حکومت وسیله‌ای برای برپاداشت فضایل و خیرات عمومی است و جهت‌گیری کلی آن، به سوی قرب الهی و تربیت

---

۱. اخلاق ناصری، ص ۳۰۰.



نفوس انسانی است. از آنجایی که بسیاری از مراکز فرهنگی، اجتماعی و علمی در دست حکومت قرار دارد؛ این نهاد می‌تواند بیشترین نقش را در اصلاح یا افساد جامعه ایفا کند و تا حکومت‌ها و حاکمان اصلاح نگردند، امکان هیچ‌گونه پیشرفت و تعالی وجود ندارد. بدین جهت نگارنده در تبیین دولت مهدوی، آورده است:

دولت اخلاقی مبتنی بر نظام امامت که جامعه را در تمامی ابعاد و جنبه‌ها، به سمت رشد فکری و اخلاقی و کمال مطلوب انسانی هدایت و رهبری می‌کند و باورها و رفتارهای مردم را اصلاح می‌نماید.<sup>۱</sup>

این سیاست الهی، استمرار برنامه پیامبران - به خصوص نبی مکرم اسلام و عترت پاک او - است؛ چنان که آن حضرت می‌فرماید:

«المهدی یقفو اثری لا یخطی»<sup>۱</sup>؛ «مهدی روش من را دنبال می‌کند و هرگز از روش من بیرون نمی‌رود».

«یعمل بسنتی و ینزل الله البرکة»<sup>۲</sup>؛ «به سنت من رفتار می‌کند و خداوند برکت را بر او نازل می‌فرماید...».

«اذا قام... سار بسیرة علی»<sup>۳</sup>؛ «زمانی که قائم قیام کند، بر سیرة علی علیه السلام عمل می‌کند».

۱. نگارنده، *آینده جهان*، ص ۲۳۳.

۲. صافی، *منتخب الاثر*، ص ۶۲، ج ۲.

۳. اربلی، *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۴۷۲.

۴. کلینی، *کافی*، ج ۱، ص ۴۴۱.

### ۱۵. نقش و کارکرد هنجار صالحان و پاکان

وجود انسان‌های فرهیخته، پارسا، عالم و شاهنده در میان مردم و حضور پر رنگ آنان در اجتماع و به دست گرفتن امور فرهنگی، علمی و حتی سیاسی، موجب رشد و ارتقای آن جوامع و تربیت صحیح نفوس است. اینان الگوهای عملی مردم، معلمان و مربیان اخلاق، راهبران دل‌ها و عقل‌ها به سوی ایمان و معرفت و جلب کننده برکات و حجت‌های الهی هستند؛ مانند پیامبران، امامان، دانشمندان مذهب، عارفان و... تأثیرات مثبت و سازنده حضور کیفی و کمی آنها در جوامع و کارآیی آنان در اصلاح گری و انسان‌سازی، به حدی است که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْشُدُهُ»؛ «آن کس که فرزانه‌ای

ارشادگر ندارد، هلاک خواهد شد».

انسان همواره به مربی و الگو نیازمند بوده و برای شکل دادن به

شخصیت خود، نمونه و سرمشق می‌طلبد.

وجود این نمونه‌های الهی، هم بر نورانیت جوامع می‌افزاید و هم

نورانیت دل‌ها را فزونی می‌بخشد و نقش مفسدان و انسان‌های

اهریمنی را کم رنگ می‌سازد. هر اندازه مربیان انسان، واجد کمالات

والا باشند، به همان اندازه می‌توانند نقش مثبت و کارگشایی را در رشد فکری و اخلاقی مردم ایفا کنند؛ چنان که پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام، این اثرگذاری معنوی و روحی را در حد اعلای آن داشتند و در عصر ظهور نیز امام مهدی علیه‌السلام و انسان‌های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین نقش پویا و مانایی را ایفا خواهند کرد. بازگشت پیامبر صالح خدا عیسی مسیح علیه‌السلام، حضور حضرت خضر و الیاس، رجعت مالک اشتر، سلمان فارسی، مقداد، ابودجانة انصاری، اصحاب کهف، یاران موسی و... بی‌حکمت نیست و خبر از تحولات بسیار گسترده و شگفت‌آوری می‌دهد و نقش بارز مردان الهی را در تطهیر فضای جامعه و انسان‌سازی نشان می‌دهد.

علاوه بر اینها انسان‌های صالح و شایسته‌ای نیز جزء یاران خاص امام و از گلچین‌های الهی برای یاری او و راهبری مردم هستند و ایشان به عنوان حاکمان جهان و مسؤولان سیاسی و فرهنگی، امور تعلیم و تربیت جهانی را سامان می‌دهند:

«له رجال الهیون یقیمون دعوته و ینصرونه هم الوزراء له یتحملون  
اثقال المملكة عنه و یعینونه علی ما قلده الله»<sup>۱</sup>؛ «گروهی از مردان  
الهی، دور او گرد می‌آیند، دعوتش را سرپا نگه می‌دارند و او را

۱. ر. ک: مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲. کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

یاری می‌کنند. آنان وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می‌گیرند و او را در مسؤولیت بزرگی که خداوند به عهده‌اش گذاشته، یاری می‌کنند.

«یبایع القائم بین الرکن و المقام ثلاث مائة و نيف عدة اهل بدر، فيهم النجباء من اهل المصر و الأبدال من أهل شام و الأخيار من اهل العراق...»؛ «سید و اندی به تعداد اهل بدر، در میان رکن و مقام با قائم علیه السلام بیعت می‌کنند: نجبا از مصر، ابدال از شام، اخیار از عراق و...»<sup>۱</sup>

در مورد برنامه‌های فرهنگی حضرت عیسی علیه السلام در عصر ظهور نیز آمده است:

«عیسی بن مریم در میان امت من، داور دادگری خواهد بود که کینه و عداوت را از میان مردم بر می‌دارد (یرفع الشحناء و التباغض)».<sup>۲</sup>

### ۱۵. غنابخشی روحی (استغنای واقعی)

یکی از سازوکارهای بسیار مهم در تغییر و تحولات روحی انسان‌ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته‌های فزاینده دنیوی و تجملاتی، استغنای روحی انسان‌ها است. بالارفتن

۱. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۷۶.

۲. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۵۵۴.

ظرفیت‌های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته‌ها و تمایلات متنوع و فزایندهٔ مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و... نشانه‌های غنای روحی و معنوی‌اند. اینها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت کامل و تمام محقق خواهد شد. غنا و بی‌نیازی انسان در سه وجه و درجه است<sup>۱</sup> و هر سه با عنایت الهی و به دست امام مهدی علیه السلام در دل و جان انسان‌ها ریشه خواهد دواند:

الف. درجهٔ نخست غنای قلب است و آن عبارت است از اینکه قلب از تعلق به هر سبب و موثری سالم و رها و آزاد باشد و با قضا و قدر الهی (حکم الهی)، معارضه نکند و تسلیم آن باشد و از دشمنی با مردمان رهایی یابد.

در روایتی دربارهٔ بی‌نیازی قلبی مردم در عصر ظهور می‌فرماید:

«و يجعل الله الغنى فى قلوب العباد»<sup>۲</sup>؛ «خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد».

۱. ر.ک: شرح منازل السائرین، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.  
۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۴.

و نیز:

«اذا خرج المهدي القى الله الغنى في قلوب العباد»<sup>۱</sup>؛ «هنگامی که مهدی قیام می‌کند، خداوند در دل‌های بندگان بی‌نیازی می‌افکند».

ب. درجه دوم، غنای نفس (نفس مطمئنه) است و آن عبارت است از اینکه نفس بر مقصود خود (حق تعالی) استقامت ورزد و کاملاً متوجه حق باشد و از سخط و ریا دور گردد. وقتی توجه انسان از دیگران قطع شود؛ نه غضب و خشم بی‌جایی خواهد داشت (که عامل بسیاری از جنایات‌ها و هرج و مرج‌ها و ناامنی‌ها است) و نه خود نمایی و تظاهر خواهد کرد (که منشأ بسیاری از مادی‌گرایی‌ها، تجمل‌پرستی‌ها و فزون‌خواهی‌ها است).

در حدیثی آمده است:

«ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنى الناس»<sup>۲</sup>؛ «چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم همگی بی‌نیاز می‌شوند».

وقتی حضرت مهدی علیه السلام از کنار بیت الهی قیام خود را آغاز کرده و با مردم صحبت می‌کند، آنان را به یاد خدا می‌اندازد (اذکرکم الله)<sup>۳</sup> و

۱. مرعشی نجفی، ملحقات الاحقاق، ج ۲۹، ص ۲۳۴.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۸.

۳. ر. ک: الملاحم و الفتن، باب ۱۲۹.

شعار خود را بیعت با خداوند قرار می‌دهد (البيعة لله).<sup>۱</sup>

ج. درجه سوم، عنای انسان، به عنای حق است؛ یعنی، متصف شدن به صفات الهی و شهود ذکر حق تعالی و فانی شدن در او. امام معصوم علیه السلام می‌فرماید:

«یعلی امر الله و یظهر دین الله»<sup>۲</sup>؛ «امر خداوند برتری داده می‌شود و دین خدا ظاهر می‌گردد».

جالب اینکه همه این کشش‌ها و جذبه‌ها و این دگرگونی‌ها و صعودهای روحی، با عنایت خاص خداوند و برکت وجود امام عصر علیه السلام صورت می‌گیرد؛ یعنی، اگر لطف خدا نبود، مردم به جهت فزونی نعمت و راحتی و آسایش، باز به طغیان و فساد دچار می‌شدند:

«... لولا ما یدرکهم من السعادة لبغوا»<sup>۳</sup>؛ «اگر لطف و سعادت خداوند آنان (مردم عصر ظهور) را در بر نمی‌گرفت، با آن بی‌نیازی (مادی) سرکشی می‌کردند».

## ۱۷. به‌سازی اخلاق کارگزاران

یکی از مکانیسم‌های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم،

۱. قندوزی، *ینابیع المودة*، ص ۴۳۵.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

۳. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲۲، ص ۶۱.

تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از مسیر حق، عدالت و اعتدال خارج نشوند، بسیاری از انحرافات و کژتابی‌های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز تابع آنان خواهند بود؛ چنان که فرموده‌اند:

«الناس علی دین ملوکهم» ؛ «مردم بر دین حاکمان خود هستند».

گام اول در اصلاح و بهسازی اخلاق کارگزاران امور و مدیران و مجریان، نظارت شدید بر آنها و سخت‌گیری در برابر قانون شکنی و هنجار ناپذیری آنان است. همچنین دقت در گزینش مسؤولان متعهد و وظیفه شناس که بتوانند در حرکت مردم به سوی کمال و تعالی، اثرگذار باشند و جلوتر از آنان، این مسیر رشد و بالندگی را طی کنند. بشر هر لحظه در معرض اشتباه و انحراف است و برای جلوگیری از آن، رهبر می‌باید نظارت کامل بر زمامداران جامعه داشته باشد. هر چند وقت آنان را نصیحت و راهنمایی کند و از انحراف و لغزش منع فرماید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام، کاربردی‌ترین و دقیق‌ترین نظارت‌ها را بر کارگزاران خود داشت و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد بود:



«المهدی... شدید علی العمال رحیم بالمساکین»؛  
 «مهدی علیه السلام بر مسوولان کشوری بسیار سخت می گیرد و بر  
 بینوایان بسیار رئوف و مهربان است».

و نیز:

«یأخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساوی اعمالها»؛<sup>۱</sup> «عمال  
 و کارگزاران حکومتها را بر اعمال بدشان کبفر خواهد داد».  
 مهم ترین دستور حضرت به یاران خود بر پاداشت عدالت و  
 احسان و نیکی با مردم است:

«یفرق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و  
 الاحسان...»<sup>۲</sup>؛ «مهدی علیه السلام یارانش را در همه شهرها پراکنده  
 می سازد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوة  
 خود سازند».

حضرت پیش از انتخاب و فرستادن آنان، پیمانی سخت و دشوار  
 از آنها می گیرد که بسیاری از مفاد آن، اخلاقی و در جهت تزکیه و  
 تهذیب آنان است:

- «... با مهدی بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛

- زنا نکنند؛

۱. طبری، بشارة المصطفی، ص ۲۰۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. علی دخیل، الامام المهدی، ص ۲۷۱.

- مسلمانان را دشنام ندهند؛
- خون کسی را به ناحق نریزند،
- به آبروی کسی لطمه نزنند،
- به خانه کسی هجوم نبرند؛
- طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛
- مال یتیم را نخورند؛
- در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛
- مشروب نخورند؛
- حریر و خز نپوشند؛
- در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛
- راه را بر کسی ببندند؛
- راه را نا امن نکنند؛
- گرد همجنس بازی نگردند؛
- خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛
- طرفدار پاکی باشند؛
- از پلیدی گریزان باشند؛
- به نیکی فرمان دهند؛
- از زشتی‌ها بازدارند؛

- جامه‌های خشن بپوشند؛
- خاک را متکای خود سازند؛
- در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...»<sup>۱</sup>

### ۱۸. شکل‌گیری اندیشه و فکر قرآنی (اندیشه واحد قرآنی)

قرآن، برنامه جامعه و کامل برای ساختن جامعه‌ای سالم و آباد، انسانی فرهیخته و متعالی و آینده‌ای رو به رشد و مترقی است. وجود آموزه‌های وحیانی قرآن، به عنوان مبنا و معیار درستی و نادرستی اندیشه‌ها و افکار و تربیت‌کننده و اصلاح‌گر نفوس و دل‌ها، عامل رستگاری و نجات همه انسان‌ها در هر سطح و منزلتی است. افکار و آرای گوناگون فلسفی و سیاسی و اندیشه‌های ناقص و دنیاگرایانه عامل برخی از انحرافات، ارزش‌ستیزی‌ها، دنیاگرایی‌ها، تشویش‌ها و حتی بی‌عدالتی‌ها و جنگ‌ها است. از منظر دینی، بسیاری از این آرا و نظریات، برخاسته از هواهای نفسانی و فکر ناقص بشری هستند و چون راهی به حقیقت ندارند، در گره‌گشایی از کار بشر، ناتوان می‌باشند. اگر بتوان این آرا و اندیشه‌ها را در پرتو قرآن بال و پر داد و از تعدد و چندگانگی آنها جلوگیری کرد، می‌توان

۱. ر. ک: صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۵۸۱، نگارنده، *آینده جهان*، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

امیدوار به حل مشکلات شد.

حضرت علی علیه السلام در باره اینکه امام مهدی علیه السلام نظرات، قوانین و خواسته‌ها را مطابق با قرآن می‌کند، می‌فرماید:

«يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى...»؛<sup>۱</sup>  
 «او خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد».

بر همین اساس او افکار و اندیشه‌ها را متمرکز می‌کند:

«اذا اقام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و كملت به احلامهم»؛<sup>۲</sup> «وقتی قائم ما قیام کند، دست [عنایتش] را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقل آغاز شده [و فهم‌شان بالا می‌رود] و عقولشان متمرکز می‌گردد».

و آنها را به سمت اندیشه واحد قرآنی سوق می‌دهد:

«هو الذى يجمع الكلم و يتم النعم»؛<sup>۳</sup> «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد».

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۱.

۳. حائری یزدی، الزام الناصب، ص ۷۵.

برای اینکه این اندیشه واحد و جامع شکل بگیرد، آن حضرت حقایق قرآنی و آموزه‌های اصیل آن را تعلیم می‌دهد و موجب دانایی پرهیزگاران انسان‌ها می‌شود؛ چون قرآن کریم هم بر نور دل‌ها می‌افزاید و هم بر دانش و حکمت آنان:

«... يعلم الناس القرآن علی ما انزل الله جل جلاله»؛ «قرآن همان گونه که خداوند نازل کرده و به مردم یاد داده می‌شود».

«استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین... کما انزل الله علی محمد»<sup>۱</sup>؛ «وقتی قائم قیام می‌کند، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، از نو به شما می‌آموزد».

### ۱۹. پر رنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان

از دیدگاه قرآن و روایات و نیز فلسفه متعالی تاریخ، حرکت و سیر تاریخ، به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است. هدفی که قرآن برای کاروان بشریت ترسیم می‌کند «عبادت و عبودیت» است (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)<sup>۲</sup>؛

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، ح ۶۲۸.

۳. ذاریات، (۵۱)، آیه ۵۶.

یعنی، انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خود هدف است... طبعاً به این معنا، در منطق اسلام هدف اصلی از زندگی، جز معبود، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. یکی از مشکلات بنیادین بشر، خروج از ولایت و عبودیت الهی و قرار گرفتن در ولایت شیطان است. این طغیان و انحراف منجر به خودپرستی، تکبر، غفلت، کفر و شرک می‌شود و هر آینه انسان را به جهت این کژتابی بزرگ، در معرض لغزش‌ها، جنایت‌ها و ستم‌ها قرار می‌دهد و تنها راه چاره آن، بازگشت انسان به دایره عبودیت و عبادت‌گری است.

برخی از مفسران، عامل مؤثر تربیتی مطرح شده در سوره مریم (وحناناً من لدنا و زکاة) را رابطه معنوی هر فرد با خداوند از مجرای عبادت می‌دانند. ' آنجا که می‌فرماید: «ما از نزد خود (و نه از طریق اسباب طبیعی) به یحیی مهر و رحمت و رشد اعطا نمودیم و او انسان پرهیزگار و پیراسته بود». در این طرز نگاه، به آثار تربیتی و رشد دهنده عبادت و رابطه معنوی حاصل از التزام به آنها توجه شده است و نقش مدبرانه خدا، از مسیر تشریح عبادات نیز مورد توجه جدی قرار گرفته است.

عصر ظهور، دوران شکوفایی بعد عبادی انسان و زمان خروج

کامل او از ولایت شیطان و قرار گرفتن در عبودیت رحمان است. کسی که در ولایت حق قرار گرفت و به مقام بندگی و پرستش‌گری دست یافت، درهای رحمت، وسعت و حکمت روی او گشوده می‌شود و دارای بصیرت اخلاقی و مقام رحمانی می‌گردد.

این بشارت غیبی برای همه انسان‌های حقیقت‌جو و طالب کمال است:

«ابشروا بالمهدی... یملاً قلوب العباد عبادة و یسعهم عدله»؛<sup>۱</sup> «بشارت باد به آمدن مهدی... او دل‌های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد».

«الملك لله... لكن اذا قام القائم لم یعبدا الا الله عزوجل»<sup>۲</sup>؛  
 «پادشاهی از آن خدا است... لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک تعالی پرستیده نمی‌شود».

«یقبل الناس علی العبادات»<sup>۳</sup>؛ «مردم رو به عبادت می‌آورند و...».

## ۲۰. رفع ناداری مادی برای تعدیل خواسته‌ها

اگر انسان دنیا را هدف زندگی خود قرار دهد و همه چیز را در

۱. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۹.

۲. بحرانی، المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، ص ۲۷۵.

۳. صافی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

مادیات خلاصه کند، به آن حرص می‌ورزد و هر چه به دست می‌آورد، باز بیشتر می‌خواهد. این شیفتگی به دنیا زمینه را برای هر گناه و آفت و رذیله‌ای فراهم می‌سازد؛ چرا که دنیا فقط وسیله کسب معیشت - از راه درست یا نادرست - قرار می‌گیرد و دار غرور، سرگرمی، عیش و نوش و در نهایت تعارض و رقابت برای دسترسی به مال بیشتر می‌شود. دنیاخواهی و دنیا طلبی، صفات اخلاقی زشت را به آرامی در انسان ایجاد می‌کند و کبر، حرص و حسد، نمودهای مهم آن و عامل انحراف انسان‌ها در طول تاریخ است. تنها راه درمان این فزون خواهی، تزکیه و تربیت عقلانی بشر و قرار دادن او در مسیر پیامبران و امامان است.

با این حال دین در صدد رفع نیازهای مادی انسان نیز می‌باشد تا از این بابت، دغدغه‌خاطری نداشته باشد و زمینه‌های حرص و آز و طمع در او کم‌رنگ شود. با برنامه‌هایی چون خمس، زکات و صدقه از یک طرف در صدد رفع فقر از جامعه برمی‌آید و از طرف دیگر جلوی ثروت‌اندوزی و اسراف و تجمل‌گرایی را می‌گیرد و مانع انباشت بی‌رویه مادیات می‌شود. این آموزه در عصر ظهور به طور کامل کاربردی شده و با رفع نیازهای مادی انسان‌ها و در عین حال تربیت صحیح آنان، مشکلات ناشی از دنیاگرایی رفع شده و اقتصاد بشر در



مسیر اخلاقی و انسانی خود قرار می‌گیرد. بر اساس روایتی:

«ثروت‌های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: بیایید بگیرید، بگیرید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خون ریزی و گناهان دست می‌زدید (قطعتم فیہ الارحام و سفکتهم فیہ الدم الحرام و رکبتم فیہ المحارم!!) او چنان اموال را می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است»<sup>۱</sup>.

همچنین آمده است:

«یُسوی بین الناس حتی لاتری محتاجاً الی الزکاة»<sup>۲</sup>؛ «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند که دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات دهد».

«کفیتهم مؤونة الطلب و التعسف و نبذتم الثقل الفادح عن الاعناق»<sup>۳</sup>؛ «اگر از مهدی علیه السلام پیروی کنید، از رنج طلب و سختی (برای دستیابی به وسایل زندگی) آسوده می‌شوید و او بار سنگین (زندگی) را از شانه هایتان بر زمین می‌نهد».

## ۲۱. وحدت معقول انسانی

دوری و اختلاف انسان‌ها از همدیگر و کینه‌ورزی نسبت به هم،

۱. صدوق، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳. کلینی: *کافی*، ج ۸، ص ۲۶۶.

چند پارگی فرهنگی و عقیدتی، خواست‌ها و اهداف متضاد و چندگانه، ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است. این مسأله به حدی است که برخی از متفکران انسان را گرگ انسان می‌دانند.<sup>۱</sup>

علت تنازع و تفرقه انسان‌ها هرچه باشد و به هر شکلی صورت گیرد (شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای، قومی، زبانی، نژادی و...)، تاریخچه‌ای به فراخنای زندگی بشری دارد و بسیاری از جنگ‌ها، ستیزه‌جویی‌های فرسایشی، تجاوزگری‌ها و... ثمره آن است. یکی از برنامه‌های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان‌ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان‌ها به فطرت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان‌ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان‌ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع‌ها و تعارض‌های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان‌ها همچنان باقی خواهد ماند.

پس لازمه رشد فکری و اخلاقی مردم، شکل‌گیری امت واحده و

۱. ر. ک: توماس هابز، لویاتان.

فرو کاستن از جدایی‌ها، ستیزش‌ها، افکار متفاوت و ارزش‌های چندپاره است؛ امری که در عصر ظهور به طور کامل محقق شده و همهٔ اختلافات، کینه‌ها و مذاهب و... برطرف می‌گردد:

«يقوم قائمنا... ثم يجمعهم على امرٍ واحدة»<sup>۱</sup>؛ «آن گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام واحد گرد می‌آورد».

«... ليرفع عن الملل و الاديان الاختلاف»<sup>۲</sup>؛ «اختلافات و پراکندگی را از ملتها و ادیان بر می‌دارد».

آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می‌کند و بغض و خصومت را برطرف می‌سازد:

«يؤلف بين قلوب مختلفة»<sup>۳</sup>؛ «... بین قلب‌های گوناگون الفت ایجاد می‌کند».

«لذهبت الشحناء من قلوب العباد»<sup>۴</sup>؛ «کینه‌ها از قلب‌های بندگان می‌رود».

«إذا قام القائم جئت المزاملة...»<sup>۵</sup>؛ «زمانی که قائم قیام می‌کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود».

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۶.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶.

۴. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲، ح ۱۶۵.

## ۲۲. فراگیری و تعمیم تربیت

یکی از انگاره‌های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان‌ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه‌های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت‌آموزی و خردورزی بپردازند. اگر بخش‌هایی از اجتماع - ولو اندک - از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی‌بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه‌های تربیتی می‌شوند. مهم‌تر از آن، افراد هنجار شکن و تباه‌گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره درصدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می‌آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که شامل همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه‌کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

در عصر ظهور، تعلیم و تربیت، جهانی، فراگیر و کارآمد بوده و شامل همه گروه‌های سنی، فکری، اعتقادی، سیاسی، جغرافیایی و... می‌شود. کسی نیست که از این هدایت‌گری و تربیت‌ها بی‌بهره باشد و همچنان بر تباهی و ناراستی خود باقی بماند. در روایات آمده است:

«لایبقی کافرُ الا آمن و لاطالحُ الا صلح»؛ «روی زمین کافری

باقی نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد و شخص ناشایستی نمی ماند، جز اینکه به صلاح و تقوا می گراید.»  
 «یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی»؛  
 «مردم [جهان] را به ملت و آیین من در می آورد و آنان را به کتاب پروردگار من دعوت می کند».

طبق روایت امام باقر علیه السلام نیز آن حضرت دست خود را بر سر تمامی بندگان خدا می گذارد و عقول آنها را متمرکز و اخلاقشان را کامل می کند (اذا قائم قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم).<sup>۱</sup>

### ۲۳. بهره‌وری از هدایت‌های کلامی

یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در تعلیم و تربیت، بهره‌وری از کلام نافذ و تأثیرگذار و بیان صریح و مهرورزانه خواسته‌ها و ایده‌ها است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در شیوه تربیتی خود، از روش کلامی مستقیم بهره کاملی می برد و با سخنان نورانی و رسای خود، بر روح و روان مخاطبان تأثیر گذاشته و تا ژرفای وجود آنها نفوذ می کرد. این شیوه، همواره مورد توجه بوده و به خصوص از سوی اساتید اخلاق و

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۱۱ ح ۶

۲. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱ ح ۷۱.

مربیان نفوس به کار گرفته می‌شد. بیان صمیمی و شفاف نکات اخلاقی و تربیتی و آگاهی بخشی دربارهٔ خیر و شر، سعادت و ضلالت، نور و ظلمت، راستی و کژی، ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها و... موجب رشد فکری و اخلاقی انسان شده و او را از غفلت، بی‌خبری و جهالت خارج می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور و از کنار خانه مکرم الهی، برنامه‌های خود را با سخنان نورانی و روشن آغاز می‌کند و مردم جهان را با آموزه‌های دینی و وحیانی و ارزش‌های بایسته انسانی آشنا می‌سازد و آنها را به نیکی‌ها، حقایق و کتاب الهی دعوت می‌کند. تأثیر کلام رسا و دلنشین آن حضرت در هدایت و تربیت انسان‌ها و خرورجی و دانایی آنان قابل انکار نیست. در روایات آمده است:

«یدعو الناس الی کتاب الله و سنّة نبیه و الولاية لعلی بن ابی طالب...»؛ «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب ... دعوت می‌کند».

«... یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین»؛ «او حق را با کلماتش تأیید می‌کند و پشت کافران را در هم می‌شکند».

۱. محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۴۹.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۴، ح ۳۵.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مهدی علیه السلام از مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می آورد: ای مردم! شمارا به ذکر خدا و به ایستادن در برابر خدا [در روز قیامت] متذکر می شوم؛ در حالی که حجتش را [در دنیا] بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نوزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آنچه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آنچه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرا رسیده و نفخه و داع سرداده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم. آن گاه در میان ۳۱۳ نفر از یارانش ظهور می کند!»

## ۲۴. شرورزدایی از جامعه

یکی از اصول مسلم در تعلیم و تربیت انسان، ریشه کنی شرور و

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ مقدسی شافعی، عقد النور، ص ۱۴۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

ناراستی‌ها از اجتماع و حذف منکرات و رذایل در هر سطح و مرتبه‌ای است؛ یعنی، در کنار تربیت فردی، باید به تربیت جمعی پرداخت و برای این کار ابتدا باید عوامل و اسباب برانگیزاننده کژروی و رذیلت‌گرایی را از بین برد و با هرگونه ناراستی و منکر برخورد جدی و ریشه‌ای نمود. هرگونه تساهل و تسامح در برابر شرور و مفسد و پذیرش کوچک‌ترین انحراف و انحطاط در جامعه، منجر به شیوع و گسترش آنها و عادی شدن ارتکاب معاصی و منکرات می‌شود. جامعه سالم و تربیت شده، جامعه‌ای است که به قبح و زشتی انحرافات و ناهنجاری‌ها، یقین داشته باشد و با توجه به پیامدهای سوء و ویرانگر آنها، وجود آنها را برنتابد.

در عصر ظهور این برنامه تربیتی و اخلاقی به جد پیگیری شده و شرور و ناراستی‌ها از سطح جامعه زدوده می‌شود. این مسأله هم در راستای تربیت دینی و امر به معروف و نهی از منکر است و هم برای حاکمیت قوانین اخلاقی در اجتماع از سوی حکومت جهانی مهدوی پیگیری می‌شود.

«... یمحو الله به البدع کلها و یمیت الفتن»؛ «خداوند همه

بدعت‌ها را به وسیله او نابود می‌سازد و همه فتنه‌ها را به



دست او از میان بر می‌دارد».

«يذهبُ الشرُّ و يبقى الخير ... يذهبُ الزَّنا و شرب الخمر و يذهبُ الربا»؛<sup>۱</sup> «شرّ از بین می‌رود و خیر باقی می‌ماند... زنا و شراب‌خواری و ربا ریشه‌کن می‌شود».

«... يعمل بكتاب الله لا يري فيكم منكرأ الا انكره»<sup>۲</sup>؛ «... او به کتاب خدا عمل می‌کند و زشتی در شما نمی‌بیند؛ مگر اینکه از آن نهی می‌کند».

«... تعدم الفتن و الغارات و يكثر الخير و البركات»<sup>۳</sup>؛ «[به وسیله مهدی علیه السلام، فتنه‌ها و چپاولگری‌ها از بین می‌رود و خیرات و برکات بسیار می‌شود».

«به يمحق الله الكذب و يذهب زمان الكلب...»<sup>۴</sup>؛ «خداوند به دست او دروغ‌گویی را از بین می‌برد و روزگار سخت را برمی‌اندازد».

## ۲۵. اجرای بهینه قوانین الهی

پایبندی به دستورات و تکالیف دینی (قوانین الهی)، راز پویایی و ماندگاری جوامع و راه درخشان به‌روزی و رستگاری انسان‌ها است.

۱. صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ح ۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷.

۳. صافی، منتخب الاثر، ص ۲۰۹، ح ۴۹.

۴. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۵.

عدم اجرای کامل و بهینه آنها یا به کار بستن ناقص و ضعیف آنها در اجتماع، موجب زوال و فروکاهیدگی آن و زندگی مضطرب، نابسامان و غیر الهی می‌شود. سستی در اجرای حدود الهی، عمل به قوانین بشری مخالف با دستورات دینی، تبعیض و برخورد چندگانه با تکالیف دینی، تفسیر و تحلیل شخصی و نادرست از آنها و... موجب دوری بشر از خدا و معنویت شده و او را در گرداب ناملایمات و کاستی‌های اخلاقی می‌اندازد. «عصر ظهور» دوران رهایی انسان از این کاستی‌ها و ناراستی‌ها در پرتو عمل به دستورات الهی - به خصوص ارزش‌های اخلاقی - و برپاداشت قوانین دینی و آموزه‌های وحیانی است.

«لایبقی موضع قدم الا وطنه و اقام فيه الذین الواجب لله»؛<sup>۱</sup>  
 «جای پایی در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه به آنجا گام  
 می‌نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه  
 می‌کند».

«... یمهد الارض و یحیی السنه و الفرض»<sup>۲</sup>؛ «زمین را مهد  
 [زندگی] می‌سازد و سنت و واجبات [دینی] را زنده می‌کند».  
 «... یقیم حدود الله و یحکم بحکم الله»<sup>۳</sup>؛ «مهدی حدود الهی

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۱۱.

۲. صافی، منتخب‌الاثار، ص ۲۱۰.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۵۵.

را اجرا می‌کند و به حکم خداوندی، حکم می‌نماید.»  
دربارهٔ یاران خاص حضرت (نجباء، ابدال و اخیار) نیز آمده است:  
«... فیقیم ماشاءالله ان یقیم»؛ «آنها برپا می‌دارند آنچه را  
که خداوند اراده فرموده اقامه شود.»

## نتیجه‌گیری

عصر ظهور، دوران رویش و نوزایش اخلاقی، فکری، اعتقادی، و سیاسی انسان و حاکمیت قانون الهی، نظم اخلاقی، خردورزی فاضله و طهارت نفس و جامعه است و این با بصیرت اخلاقی به دست می‌آید. با دستیابی انسان به رشد فکری و اخلاقی، تمامی ظرفیت‌ها و توانایی‌هایش شکوفا می‌گردد و بسترهای فروروی او در ناراستی‌ها، آلودگی‌ها و تباهی‌ها برچیده می‌شود. در فصل نخست، «بایستگی دستیابی انسان به بصیرت اخلاقی جهت فروکاستن از ناراستی‌ها و مشکلات بشر و رسیدن او به یک جامعه برتر اخلاقی و دینی» روشن گردید. براساس آن، اگر در جامعه انسانی، اخلاق رواج داشته باشد و بصیرت اخلاقی حکمفرما شود، بی‌تردید آن جامعه از آرامش، سلامت و پاک‌زیستی بالایی برخوردار خواهد بود. بصیرت اخلاقی، خردورزی

فاضله‌ای است که از اخلاق الهی و طهارت روح و تعلیم و تربیت واقعی به دست می‌آید و بر روشن‌بینی و نیک‌اندیشی انسان، اثری عمیق دارد. این نوع بصیرت، در شناخت حق از باطل، عیوب فرد و جامعه، شناخت احکام الهی و موانع رشد و راه نجات و رستگاری، به انسان یاری می‌رساند. در پرتو این رویکرد، بین جنبه‌های عقلی و فطری انسان و تربیت و تزکیه او در جهت رشد و تعالی معنوی و روحی پیوند برقرار می‌شود و انسان با دو بال عقل و اخلاق و دانایی و پارسایی، قله‌های کمال را در می‌نوردد و مشکلات ناشی از رذایل اخلاقی و فزون‌خواهی را از خود و جامعه می‌زداید.

پرسش اساسی این بود که در عصر ظهور، با چه ساز و کارها و مکانیسم‌هایی، «بصیرت اخلاقی» قابل دستیابی است؟ در واقع دغدغه اصلی این بود که آیا واقعاً امکان اصلاح کامل جامعه بشری وجود دارد؟ در این صورت چگونه و با چه سازوکارهایی این اصلاح و تحول مثبت در انسان‌ها و جوامع به وجود می‌آید و کاستی‌ها و ناراستی‌ها ریشه‌کن می‌شود؟

با مراجعه به روایات و تفاسیر، به روشنی در می‌یابیم که با ظهور حجت حق و امام کل، حضرت مهدی علیه السلام، تغییرات و دگرگونی‌های فراوانی در اخلاق، رفتار و پندار انسان‌ها صورت می‌گیرد. او با شیوه‌ها

و سازوکارهای متنوع و فراگیری که در جهت هدایت، تربیت، اصلاح و تعلیم آنان اتخاذ می‌کند، زمینه‌های رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها را فراهم می‌سازد و راه‌های خیر و سعادت، فضیلت و پاکی و کمال و تعالی را بر روی آنان می‌گشاید. در واقع با سازوکارهای گوناگون فرهنگی، اخلاقی، علمی، عبادی، حکومتی و... در سطوح و لایه‌های مختلف، به پاک‌زیستی و به‌سازی فراگیر و همه‌جانبه انسان‌ها همت می‌گمارد و متناسب با نیازهای جمعی و فردی، برنامه‌های تربیتی و هدایتی خود را اجرا می‌کند.

مهم‌ترین هدف در رساندن انسان به «بصیرت اخلاقی»، بالا بردن زمینه‌های خردورزی و فضیلت‌شناسی، زدودن حجاب‌های ظلمانی فکر و روح، آشنایی و پیوند با مبدأ و فرجام بشر و رسیدن به کمال نهایی (عبودیت و قرب الهی) است. پیامد و دستاورد این پاک‌زیستی و فضیلت‌گرایی، شکل‌گیری جامعه مطلوب انسانی و قرار گرفتن آدمی در مقام و منزلت واقعی خود و دوری او از جنگ، تجاوزگری، ناامنی، تبعیض، فساد و افسادگری، قتل، حرص و آز، منکرات و... است.

امید است خداوند متعالی دیدگان ما را به جمال دلارای امام هدایت‌گر و پیشوای عدل‌گستر روشن کند و همگان به زودی شاهد

## این مدینه فاضله الهی و جامعه برین اخلاقی باشیم.

ای لب لعل ماه تو، کعبه وصل عارفان  
 آینه نگاه تو، تبلور شکوه حق  
 روز به روز، شب به شب، چشم افق می‌نگرد  
 هائک عشق کی دهد مزده تکبیر تو را  
 لحظه به لحظه عالمی، دل‌نگران و مضطرب  
 قیام آسمانی‌ات، نوید صلح و زندگی  
 زبس که انتظارها، کشیده‌ایم در رهت  
 ستاره سعادت بشر تویی، طلوع‌نما  
 خال گره گشای تو، رونق بزم عاشقان  
 دست بهارانه تو، حیات بخش انس و جان  
 تا که مگر طلعت نورانی تو شود عیان  
 خموش شد، چشمه بردباری منتظران  
 شکسته شد بی‌تو ستون استقامت جهان  
 طلوعه ظهور تو، شفای جان خستگان  
 نشسته در محاق خون، هلال چشم دوستان  
 منظر دلگشای تو، نمازگاه عرشیان

(پارسا)

## منابع

۱. آل سید حیدر، سید مصطفی، *بشارة المصطفى*، قم: مؤسسه آل البيت، بی نا.
۲. ابن ابی الحدید، ابو حامد بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، ۲۰ جلد، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*، ج ۴، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
۴. ابو معاش، سعید، *الامام المهدي في القرآن والسنة*، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های قدس رضوی، ۱۳۸۰.
۵. احمد الشامی، صالح، *تربیت و حکومت در سیره رسول الله*، ترجمه محمد ملازاده، تهران، احسان، ۱۳۸۵.
۶. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة في معرفة الائمة*، ج ۲، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۷. امینیان، مختار، *مبانی اخلاقی اسلامی*، سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۸. انصاری، عبدالله، *منازل السائرین*، ترجمه و شرح علی شیروانی، اول، تهران، الزهراء، ۱۳۷۳.
۹. ایمانی، محسن، *تربیت عقلانی*، اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۰. بحرانی، المحججه *في منازل في القائم الحجة (سیمیای حضرت مهدی در قرآن)*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.



۱۱. بحرانی، حسین، *سلوک عرفانی در سیره اهل بیت علیهم السلام*، ترجمه علی شیروانی، اول، قم، وثوق، ۱۳۷۹.
۱۲. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، ج ۱، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۳. البستوی، عبدالعلیم، *المهدی المنتظر*، مکه: مکتبه المکیه، ۱۴۲۰.
۱۴. بهشتی، محمد و...، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۱۵. پیازه، ژان، *تربیت به کجا ره می سپرد*، ترجمه منصور و دیگران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۶. جعفری، محمدتقی، *نقد و تفسیر و تحلیل مثنوی*، تهران، بعثت، بی تا.
۱۷. حائری، محمدحسن، *آشنایی با اخلاق اسلامی*، دوم، نشر قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة (بالنصوص والمعجزات من الامام...)*، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۹. \_\_\_\_\_، *وسائل الشیعه*، ۲۹ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹.
۲۰. حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ج ۱، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۴.
۲۱. حکیمی، محمد، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۲. خزّاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر*، ۱ جلد، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱.
۲۳. خمینی، روح الله، *جهاد اکبر (مبارزه با نفس)*، تهران، بعثت، ۱۳۶۱.
۲۴. \_\_\_\_\_، *صحیفه نور (مجموعه سخنرانی)*، تهران، سازمان مدارک انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۵. رشیدپور، عبدالمجید، *تربیت از دیدگاه وحی*، سوم، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۰.
۲۶. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۲۷. سهروردی، شهاب الدین، *مجموعه مصنفات*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۲۸. سیوطی، حافظ جلال الدین، *العرف الوردی*، چاپ اول، دمشق: دار الکوثر، ۱۴۲۲.
۲۹. شفیع، سیدمحمد، *پرتویی از مبانی تربیتی - عرفانی امام خمینی*، دوم، قم، دفتر

- انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، ۱ ج، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، ۱۴۱۹.
۳۱. صدر، محمد، *تاریخ پس از ظهور*، اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا (ع)*، ۲ جلد، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
۳۳. \_\_\_\_\_، *کمال الدین و تمام النعمه*، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۳۴. \_\_\_\_\_، *الخصال*، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۳.
۳۵. \_\_\_\_\_، *الفقیه*، ۴ جلد، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۱۳.
۳۶. \_\_\_\_\_، *امالی*، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین، *تسبیح در اسلام*، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۸. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری*، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۴۰. طبرسی، محمد بن محمد بن علی، *بشارة المصطفی*، ج ۱، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *دلایل الامامة*، ج ۱، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۴۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *التهدیب*، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۳. \_\_\_\_\_، *امالی*، چاپ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۴۴. \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
۴۵. طوسی، نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
۴۶. عمید زنجانی، عباس، *فقه سیاسی*، چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۴۷. قطب الدین راوندی، ابی الحسن سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائج*، ۳ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹.
۴۸. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.
۴۹. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، دوم، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.

۵۰. کاظمی، سید مصطفی، *بشارة الاسلام*، چاپ اول، نجف: بی نا، ۱۳۸۲.
۵۱. کانت، ایمانوئل، *دین در محدوده عقل تنها*، ترجمه منوچهر صانعی درّه بیدی، اول، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۱.
۵۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، *کافی*، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۵۳. کورانی، علی و...، *معجم احادیث المهدي (ع)*، ۴ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
۵۴. کی منش، عباس، *پرتو عرفان*، اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶.
۵۵. متقی هندی، علاء الدین علی، *البرهان (فی علامات مهدي آخر الزمان)*، چاپ اول، قم: مطبعه خیام، ۱۳۹۹.
۵۶. \_\_\_\_\_، *کنز العمال*، ج ۱۴، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.
۵۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۵۸. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷.
۵۹. محمود عقاد، عباس، *تفکر از دیدگاه اسلام*، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، نشر قدس رضوی، ۱۳۷۹.
۶۰. مرتضی مطهری، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، الزهراء، ۱۳۶۲.
۶۱. مرعشی نجفی، شهاب الدین، *ملحقات الاحقاق*، ج ۲۹، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵.
۶۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *خودشناسی برای خودسازی*، سوم، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۰.
۶۳. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدي (عج) (از دیدگاه فلسفه تاریخ)*، چاپ پانزدهم، قم: صدرا، ۱۳۷۴.
۶۴. مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی، *اصالی*، ج ۱، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۵. \_\_\_\_\_، *الاختصاص*، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۶. \_\_\_\_\_، *الارشاد*، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۶۷. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر (فی اخبار المنتظر)*، چاپ اول، قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹.
۶۸. مک ناوین، دیوید، *بصیرت اخلاقی*، ترجمه محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۶۹. مکارم، محمدحسن، *مدینه فاضله در متون اسلامی*، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی (عج)*، چاپ هشتم، قم: مدرسه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۶.
۷۱. میرجهانی، سیدحسن، *نوائب الدهور فی علائم الظهور*، ۴ جلد، چاپ سوم، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۷۶.
۷۲. نباطی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم*، ۳ جلد، چاپ اول، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴.
۷۳. نجفی، شرف الدین، *تاویل الآیات الظاهرة*، قم: مؤسسه الامام المهدی.
۷۴. نراقی، ملامهدی، *جامع السعادات (علم اخلاق اسلامی)*، ترجمه مجتهدی، سوم، تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
۷۵. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۷۶. نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل* ۱۸ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.
۷۷. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، *منتخب الانوار المفضیلة*، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱.
۷۸. هیئت علمی مؤسسه نهج البلاغه، *موسوعة احادیث امیرالمؤمنین (ع)*، ج ۱، چاپ اول، قم: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶.
۷۹. یزدی حائری، علی، *الزام الناصب*، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.